

هوشنگ عزیزم
نهضت مقدس سیم تیر نشان داد که
ملت ایران در مبارزه با اجانب به پایداری و
استقامت مصمم است و ثابت کرد که این
ملت آنجا که پای شرافت و استقلال مملکت
در میان باشد، مرگ را بر زندگانی آلوده
به ننگ و رسوایی ترجیح میدهد و به هیچ
قیمت از ادامه نهضتی که آنرا به بسای
خون فرزندان خود خریده است باز نخواهد
ایستاد.
دکتر محمد مصدق
از پیام رادیویی دوشنبه شب بیست و نهم
تیرماه ۱۳۳۲

«وحدت» یعنی وجدان آگاه ملی

در صفحه ۶

اتحاد بزرگ

شماره ۲۱ - پنجشنبه ۱۴ تیرماه ۱۳۳۸

تک شماره ۱۵ ریال

ایران را به آتش ما و من نکشانیم

کسی متوجه ایران نیست و همسه
دلهشغول سودهای دیگر شده اند
ایران عزیز تر از آنست که ملبه غرور
و مسابته های ابلهانه ناپختگان شود

هرگز نمی دانستم که نام وطن اینقدر بزرگ است و عزیز.
هرگز نمی دانستم که این گربه کوچک روی نقشه را چنین
دیوانه وار می برستم. سالهای سال به من و چون من های تلخین
شده بود که این فضولی ها به سرمان زیاد است صاحبان دیگر
و اربابان دیگری دارد. دل کتفه بودیم و همه در سودای
مهاجرت.
در این سرزمین جزیک تماشاگر بی نقش و مظلوم محکوم
هیچ نبودیم در خاکی که که سالهای سال همچون یک میهمان،
مسور و بی اختیار زیسته بودیم. جرقه های دید و آتشی روئید
تا بنیان ستها و خودگامی ها بسوزد، ایران مال ما شد، مال
ملت شد، مال من، مال تو.
آیا وطن من، وطن عزیز من دارد بار دیگر به آتش ما و
منی کشیده می شود.

ره نمود مصدق برای تشکیل جبهه ملی راستین

احمدآباد - ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۳۲
جبهه ملی طوری تنظیم نشده که
ملت ایران بتواند از آن استفاده
نماید و کاری که صورت می گیرد زیر
نظر عموم احزاب و اجتماعات و
مخالفان باشد. اینجانب را عتیده
انتخابات است که انتخاب اعضای شورای
تقدیم میکنم و به استحضار می-
رسانم که اساستانه و آئین نامه

انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی

انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی در هفته اول مرداد ماه آینده
شهرستان انجام گیرد و شوراهای
انجام خواهد شد و این نامه شور-
استان نیز تشکیل شود.
وزیر کشور گفت تعداد نمایندگان
مجلس بررسی قانون اساسی بر
اساس وسعت موقعیت و جمعیت هر
استان و براساس هر ۵۰۰ هزار
نفر یک نفر تعیین شده است.

فلسفه صبر انقلابی و صرفه جوئی بعد از انقلاب چیست

دولت از استخدام جوانان خودداری می کند و کسانی که از
موسسه های آموزش عالی کشور یا خارج از کشور فارغ التحصیل
شده و برای خدمت در جامعه خود را آماده کرده اند با جمله
لزوم صرفه جوئی و منع استخدام روبرو می شوند و تصور می شود
که دولت کار با کارکنان رژیم گذشته را بسته می داند.
اعتراض این جوانان که معتقدند بخشهای خصوصی دایر
در اختیار دولت قرار گرفته و دولت استخدام را ممنوع کرده
است و آنها مکانی برای فعالیت و نمایانند استعدادهای خود
ندارند با جمله صبر انقلابی پاسخ داده می شود، لیکن این
صبر انقلابی و لزوم صرفه جوئی پس از یک انقلاب که همه گروهها
را در بر گرفت بحث بسیار دارد.

نا آرامی در نجف آباد

موج تظاهرات و تعطیل عمومی شهر را فرا گرفت.

در پی اعتراض مردم نجف آباد
اصفهان به رای صادر شده توسط
دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان در مورد
دو نفر از عاملان کشتار نجف آباد
روز گذشته اطلاع رسید که باز پرس
دادگاه انقلاب اسلامی نجف آباد رپوده
شده.

بر پایه گزارشهای رسیده صبح
روز گذشته سر نشینان یک اتومبیل
نازنجی رنگ «خبر» باز پرس دادگاه

انقلاب اسلامی نجف آباد را رپوده
و به دنبال آن ژاندارمری و کمیته
انقلاب اسلامی نجف آباد مناطق مختلف
شهر را در محاصره در آورند و رفت
و آمد تمام اتومبیلها را تحت کنترل
قرار دادند.

موج نا آرامی در نجف آباد پدنیال
رای دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان

در مورد ابراهیم دادخواه و شکرالله
کلانتری رهبر جماعت بدستار نجف
آباد آغاز شد و تظاهر کنندگان با
تعطیل کامل شهر در خیابانهای
شهر به راه پیمائی پرداختند و در
مقابل فرمانداری اجتماع کردند.

معترضین به رای دادگاه انقلاب
اسلامی اصفهان در این اجتماع از
رئیس کمیته نجف آباد و فرماندار
این شهر خواستند که دادگاه انقلاب
اسلامی اصفهان در رای صادره
خود در مورد ابراهیم دادخواه و
شکرالله کلانتری تجدید نظر کند
و در غیر اینصورت اعتصاب و
تظاهرات آنها ادامه خواهد داشت.
دو نفر که توسط این دادگاه
محاکمه شده بودند به دو سال و
بقیه در صفحه ۸

فرمان عفو نظامیان

شورای انقلاب لایحه تسریع در
رسیدگی به اتهامات ضد انقلابی
تصویب کرد.

بر پایه این لایحه چنانچه شکایت
و یا اعلام جرم علیه افسراد و
پرستل ارتش شهر بانی و ژاندارمری
جمهوری اسلامی پس از تاریخ ۱۹
تیرماه ۱۳۳۸ برسد قابل رسیدگی
و تعقیب و مجازات نخواهد بود
همچنین چنانچه شکای یا اعلام-
کننده نتواند ادعای خود را به
اثبات رساند ملغی محسوب میشود
و یا شکایت شاکي در دادرسی
انقلاب جمهوری اسلامی ایران
تحت پیگرد قرار خواهد گرفت
و مجازات حبس جنه ای تا دو سال
محکوم خواهد شد.

هرگاه دادرسی و دادگاههای
انقلاب جمهوری اسلامی ایران احضار
یا جلب پرستل نامردگان را لازم
بدانند بایستی با ارسال حضاریه
از طریق رئیس سازمان قضایی
بقیه در صفحه ۸

هشدار دادستان کل انقلاب

دادستان کل انقلاب در اطلاعهای
به گروههایی که با اعمال خود موجب
برادر کشی و هتک حرمت انقلاب
اصیل اسلامی کشورمان میشوند
هشدار داد و آنها را در پیشگاه
خداوند مسئول شناخت.
دادستان کل انقلاب در اطلاعیه
خود یادآور شده: مدتی است که
برخی از گروهها به منظور تحت
تأثیر قرار دادن دادرسی و
دادگاههای انقلاب دست به تحصن
و تظاهرات زده اند که در نتیجه آن
روز گذشته واکنشهایی بروز کرده
و منجر به خشونت شد.
من بتمام ملت مسلمان ایران
هشدار میدهم که نتیجه این اعمال
جزی جز برادر کشی مانند آن چه
بقیه در صفحه ۸

گرامی باد یاد دلاوران به خون خفته قیام ملی

آئین بزرگداشت شهیدان سیم تیر را به
نشان سپاس آزادی و استقلال ایران هر چه با
شکوهتر برپا داریم.
با زلال اشک، غبار زمان از نام گلگون کفانی
که نظام استبدادی زیر سلطه بیست و پنجسال
کوشید در بوتهی فراموشی افکند، بزدا کنیم.
حزب ملت ایران که بازسازی مزار شهیدان
سیم تیرماه ۱۳۳۱ را آغاز کرده است برای
زنده داشت یاد این فرزندان بخوان تپیده میهن،
از همگان باری می خواهد.
دفتر «کمیته برگزاری یادواره شهیدان
سیم تیر» که به پیشنهاد حزب ملت ایران تشکیل
شده است همه روزه از ساعت ۵ تا ۷ بعد از ظهر
آماده دریافت پیشنهادهای فردی و جمعی و
پذیری نمایندگان حزبی و گروهها می باشد.
نشانی: خیابان سپید قرنی، خیابان سینده، شماره ۲۶،
تلفن ۸۹۳۴۴۶

امان از مجاهدان یکشنبه!!

این روزها هر که
سحر و مندانه تر،
تجزیه طلبان را سب
تیسر بخشد، انقلابی تر
است!!

روز یکشنبه هم جوانان
روزهای دیگری ورق زدن
روزنامه ها و مطالعه نوشتار-
های چند انقلاب زده بیمار
گونه با خمی اندوهبار
آغاز شد و تا شامگاه
توق و دلبره چنانم را
لحظه ای ترک نکفت.
با که گویم، هر گله دارم
از دوست است، از دوست
شریف و مبارز و صنعتی
دیده و بی گمان علاقمند به
ایران و ایرانی.

به خیابان مری سیل
قاچاق، نمایش توسعه ی
فرهنگ ضد ملی، دیدن
چهره های غمزه و تگران،
شنیدن شوخی های گریه و
چندش آور، با نشانی از
پنجه های آلوده ضد انقلاب
در يك يك آنها، تفت را
می ترزند و عرق مرگ بر
پشت می نشاند.

در خانه می مانی، روزنامه
های بی شمار زاینده واروق
می زنی، جریان خون مسموم
ضد انقلاب را در خط، خط
بیشتر آنها می بینی. گوئی
هر که بیشتر ناسزا بگوید
هر که ایران را پاره پاره تر
بخواید، هر که بیشتر دم از
ارتش خلقی و لزوم شرکت
سربازان در حزبهای مختلف
با ایدئولوژی های ضد و
تقیبی بزند و هر که سخاوتمندانه
تر لقب کبیر به تجزیف
طلبان بدهد و مردانی چون
قاضی محمد و پیشه وری را
که در ده کوره های میهن
بقیه در صفحه ۲

اعلامیه دولت در مورد محمد رضا سعادتی

دولت موقت جمهوری اسلامی با
انتشار اطلاعیه ای دخالت دولت را
در بازداشت و بازجویی محمدرضا
سعادتی، عضو سازمان مجاهدین
خلق را که ۷۵ روز پیش از سوی
کمیته پاسداران مستقر دوسلوات
امریکا بازداشت و زندانی شده
است رد کرد.
در اطلاعیه دولت گفته شده: به
این وسیله برای اطلاع عموم و
یادآوری آنچه قبلا نیز معلوم بوده
است متذکر می شود که دولت دخالتی
در دستگیری و بازجویی و بازداشت
آقای سید محمد رضا سعادتی
نداشته است.
در راه پیمائی که به مناسبت
دستگیری سعادتی برگزار شد گروه
کوچکی در خیابان مصدق با راه-
پیمایان به مقابله و زد و خورد
پرداختند. و با دخالت پاسداران این
درگیری پایان یافت.

کمیته موقت امور صنفی «نایب الامام خمینی»

بنا بر طومارهای رسیده و مراجعین بسیار و تلفنهای مکرر
آقایان اصناف و کسبه محترم بازار مبنی بر اعتراض نسبت
به پلاکاردی که جلوی درب کاخ دادگستری نصب شده است
راجع به پشتیبانی جامعه اصناف و پیشه واران بازار از محمد
رضا سعادتی که این جامعه اصناف و پیشه واران بازار که روز
دوشنبه ۵۸۴۱۱ در روزنامه ها اعلامیه میدهد و امروز در
جلو کاخ دادگستری پلاکاردهائی زده اند هیچ ارتباطی با کسبه
محترم بازار ندارد و جامعه اصناف و پیشه واران بازار کسانی
میباشند که در زیر اعلامیه خود امضاء و خود را بملت مسلمان
ایران معرفی مینمایند. لذا بموجب این حکم ماموریت داده
میشود که پلاکاردهای مورد بحث را از جلو دادگستری برداشته
شود.
کمیته موقت امور صنفی «نایب الامام خمینی»

بازگشت همه بسوی اوست
با انبوه بسیار درگذشت نابینام و جانسوز همزم دلیریم
شادروان احمد خزائی نماینده دبیرخانه حزب ملت ایران در
شهرستان خرمشهر را به آگاهی همگان می رساند. آئین آموزش
خواهی آن عزیز از دستا رفته روز شنبه ۵۸۴۱۶ ساعت ۴
تا ۷ بعد از ظهر در مسجد فخرالوله برگزار می گردد.
داویوش فروهر

انفجار بمب در مرکز آموزش پاسداران قم

شش تن از پاسداران مجروح شدند

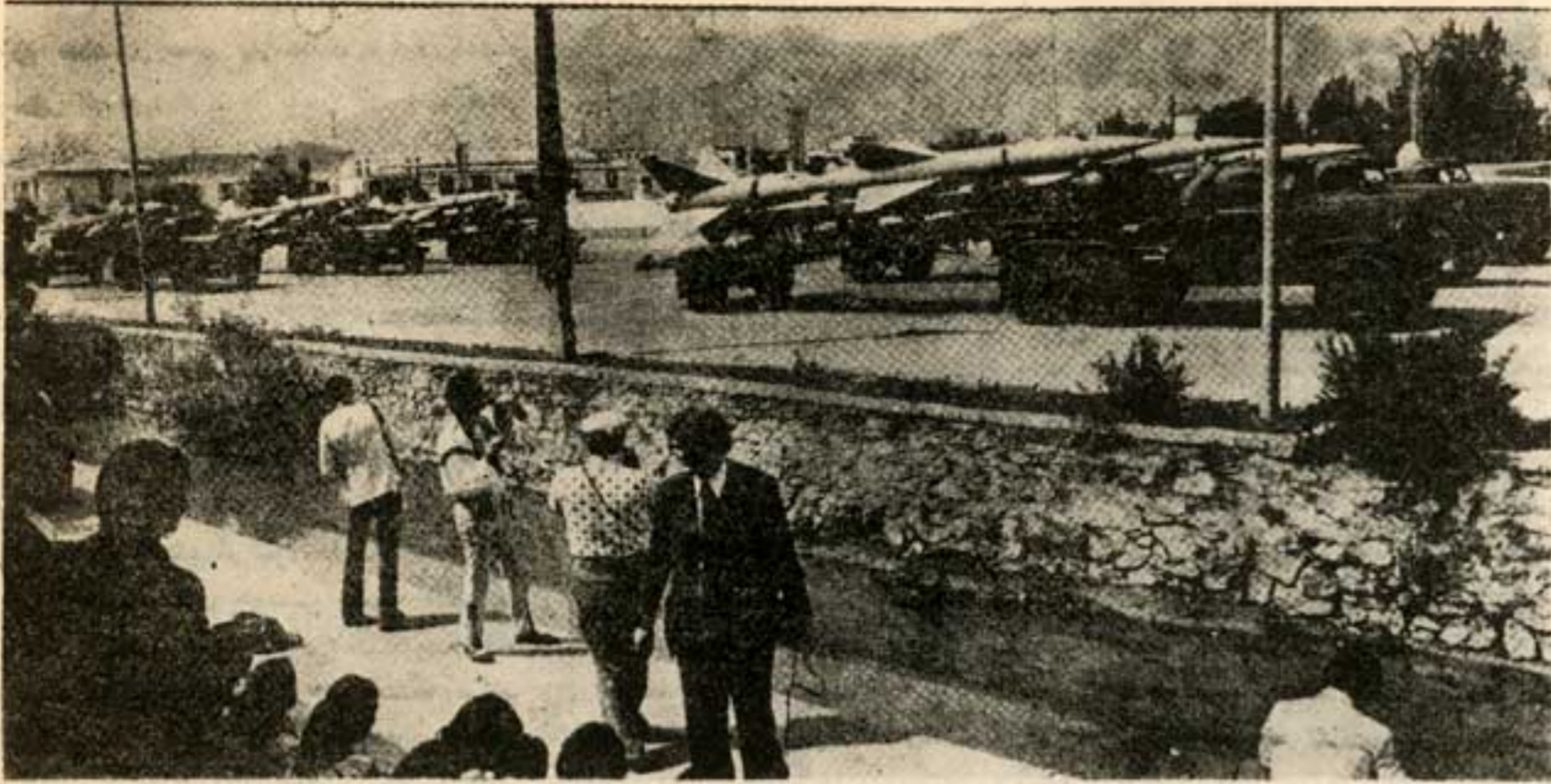
در اثر انفجار یک بمب دستی که
بعد از ظهر دیروز در ساختمان پیشاهنگی
قم روی دانشش نفر از پاسداران
مجروح شدند مجروحان این حادثه بلا-
فاصله به بیمارستان کامکار قم
انتقال یافتند و چون حال یکی از
مجروحان وخیم بود قرار شد که
برای عمل جراحی و درمان به تهران
اعزام شود.
طی دو روز گذشته این دومین
حادثه ای است در این محل که مرکز
آموزش نظامی پاسداران انقلاب
اسلامی قم میباشد رخ داده در حادثه
نخست هیچگونه خسارت مالی و جانی
وجود نیامد و گروه تحقیق ستاد
انقلاب اسلامی هم اکنون مشغول
بررسی این حادثه و شناخت عوامل
آن میباشد.

در باره سمینار سیاست فرهنگی جدید ایران در منظره فرهنگ، عامل پویائی جامعه

دیدیم باید فاتحه فرهنگ و پیشرفت را
خواند.
در کشور ما تا بحال نظام حاکم
چنین فرصتی را به مردم نداد و بنا بر اینکه
از چهل و واپس ماندگی بیشتر سود خواهد
برد، از ایجاد هرگونه امکانی برای اعتلای
فرهنگ سرباز زد. اما امروز می خواهیم
و ادعا می کنیم که باید ایران آینده
پیشرفته، مترقی، و متعالی باشد. پس با
دگرگونی نظام پیشین می بایست بنیادهای
بقیه در صفحه ۲
کیفیت رویارویی با نهادهای فرهنگی
در هر جامعه عامل اساسی و مهم در ایجاد
پویائی فرهنگی میان مردم و رشد و تعالی
اجتماعی آنست. از اینرو قدرت های مسلط
بر جامعه اگر شیوه های آزادمنشانه در
برخورد با مردم داشته باشند، و امکاناتی
بوجود آورند که ارتباطها، کنشها،
واکنشها و برخورد های فرهنگی میان مردم
بر اساس آزاد اندیشی و دموکراسی اجتماعی
باشد، سطح تفکر اجتماع نیز پیش خواهد
رفت. و اگر جز این باشد نیز چنانکه



# «سبزها» در برابر «سرخها»



اولین سالگرد انقلاب: نه جشنی و نه سروری...

حکومت پاکستان نیز در فردای اعدام‌علی بوتو مایل نخواهد بود بهانه‌های تازه‌ای برای نارضایتی به‌دست مردم بدهد. خطر واقعی در واقع آن خطری که مردم افغانستان از بروز آن بیمناکند، دخالت یک جانیته شوروی به هر بهانه است. آیا انگیزه دخالت شوروی در امور کشوری با ۱۶۰۰ کیلومتر مرز مشترک، انگیزه‌های اقتصادی خواهد بود؟

با وجودی که افغانستان دارای ذخایر غنی گاز طبیعی است و این گاز را به‌طور کامل به شوروی صادر می‌کند، وبا وجودی که خاک این کشور آبریز از معادن گرانپا و کشف شده است، شوروی به دلایل اقتصادی در افغانستان مداخله نخواهد کرد. شوروی در صورت در اختیار گرفتن افغانستان به‌عنوان یکی از اقماع خود، تنها ۵۰۰ کیلومتر باقیانوس هندو خلیج فارس، یعنی محل عبور نفتکش‌های گول‌پیکر و کشتی‌های حامل مواد اولیه، فاصله خواهد داشت، بنابراین دلایل استراتژیکی و جغرافیایی روسیه تزاری و اتحاد جماهیر شوروی را به باور رفتن در افغانستان تشویق می‌کرده است. بی‌شک این ۵۰۰ کیلومتر که شامل ایالت‌های بلوچ‌نشین پاکستان و ایران، یعنی ایالت‌های فقیرنشین و خواهان خودمختاری می‌شود کار دشواری نخواهد کرد.

کرده، کرکه‌هایشان را هم به رنگ سبز درآوردند... افغان‌های ذاتا مستقل باختم و خروش شاهد تبدیل شدن کشورشان به یکی از اقماع شوروی هستند. هر ماه دهها موافقتنامه اقتصادی و فرهنگی میان دو کشور به‌امضاء می‌رسد، و در ماه دسامبر گذشته نیز انعقاد یک پیمان دوستی و همکاری به مسکو اجازه مداخله نظامی و حمایت از افغانستان چه در صورت بروز خطر وارد.

چه خطری؟ گرمین این خطر را با صدای بلند برشمرده است: پاکستان، ایران و چین به شورش قبایل افغانستان دامن می‌زنند. به‌خاطر چه کسی؟ و چرا؟ برای سرنگون کردن یک رژیم دوست‌شوروی و جانشین، ساختن آنها توسط رژیم کهنوگر امپریالیستی امریکائی-چینی و مسلمان باشد. در واقع به نظر نمی‌رسد که ایران، با تمام مشکلاتی که در حال حاضر در مقابل دارد بتواند کاری بالاتر از محکوم شدن دخالت شوروی در امور دیگران بکند.

نمی‌کنند که می‌دانند این اصلاحات از خادج و توسط شوروی دیکته شده است. تغییر پرچم سیاه و سرخ و سبز (رنگ اسلام) افغانستان و جانشین شدن آن به وسیله یک پرچم سرخ با خشم و خشونت مردم این کشور روبرو شد. مردم همچنین از دستور شبه‌نظامیان دولتی مبنی بر رنگ کردن مجدد درهای خانه‌شان به رنگ سرخ استفاده

مدرسه و لقا سنت چهار برای سبوتل بخشیند به امر ازدواج در خانواده‌های فقیر، در کشوری که ۵۹ درصد مردم آن بی‌سوادند، بی‌معناست. نورمحمد تره‌کی همچنین یک برنامه اصلاحات تارشی واقعی را به‌مورد اجرا درآورده و حداکثر زمین هر مالک را در ۶ هکتار محدود کرده است. اما در عین حال رباخواری و نظام وام‌گیری سنتی رادر

**تمام توپ و تانکهای آمریکا قادر نخواهد بود به اندازه نیروی ایمان شورشیان مسلمان افغانستان از پیشروی شوروی به سوی «بطن» آسیا جلوگیری کنند**

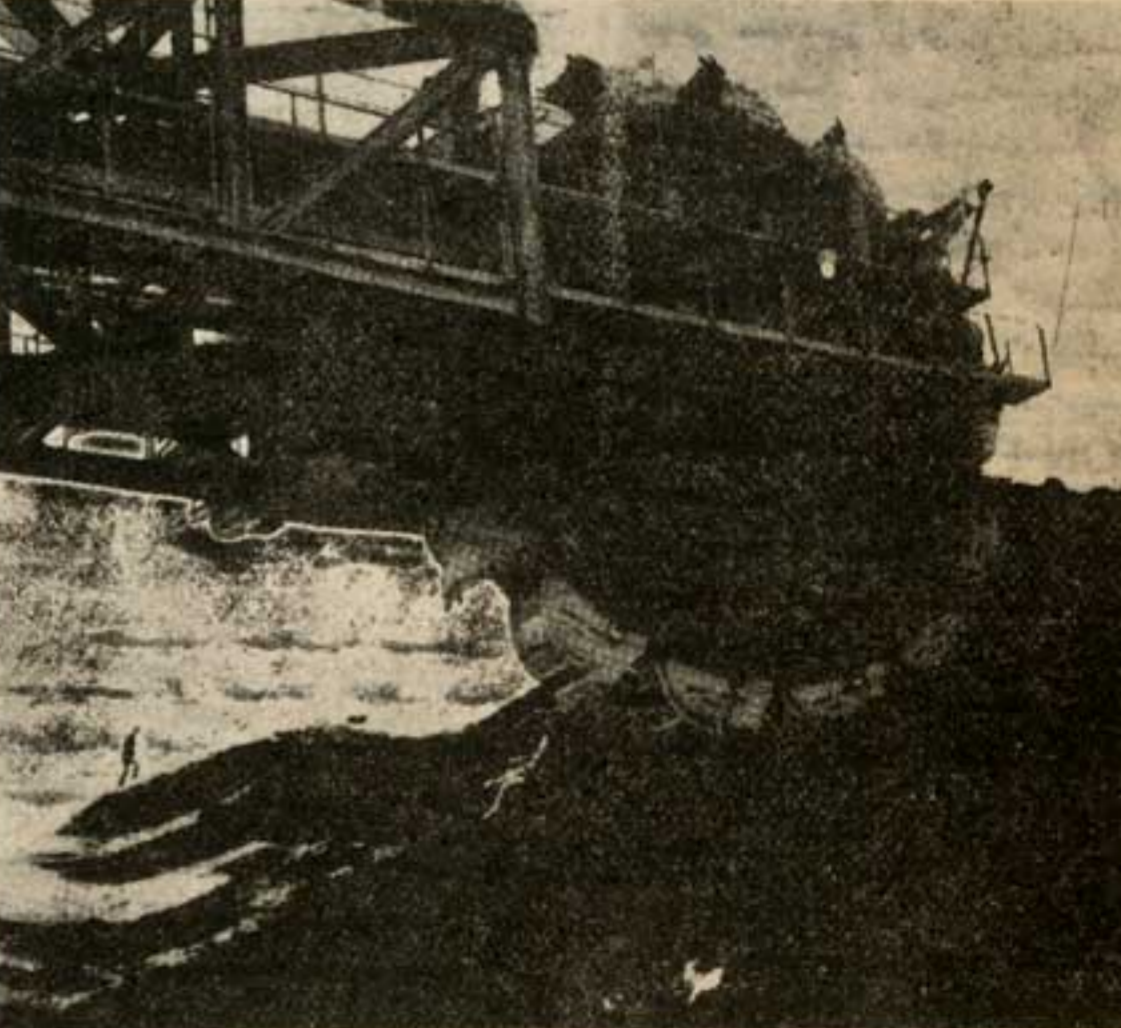
آویزان می‌شوند و سرگردانی درآب دریاها، نابود شدن به دست دزدان دریایی، بیماری و قطعی راه به‌جان می‌خرند. تا چندی قبل کشورهای غیر کمونیست جنوب شرقی آسیا، و بیشتر از همه تایلند، مالزی، اندونزی، سنگاپور و هنگ‌کنگ، بی‌سرو صدا این آوارگان را پذیرا می‌شوند. اما سرانجام امکانات جلب «آواره» آنها هم تمام شد و فریدشان به گوش غرب رسید.

## ویتنام - انتخاب میان انواع مرگ

فرانسه برای یاری رساندن به بیماران سرگردان در آب‌های قفقاز «بهداری» به‌منطقه فرستاد و کشتی‌های صنعتی هر کدام پذیرای از چند صد آواره را متعهد شدند. اما فاجعه به این سادگی‌ها حل نخواهد شد. این کمپهای برانگنه دردی را دوا نمی‌کنند. حتی ابرازتاسف‌های کورت‌والده‌سایم و وعده برگزاری کنفرانسی ویژه برای رسیدگی به وضع آوارگان نیز.

آباز سرچشمه گل‌آلود است. کمک به آوارگان چه فایده دارد. باید شرایط فراهم شود که آوارگی به‌عنوان تنها راه حل انتخاب نشود. باید مردم کشورهای جهان سوم دیگر مجبور نباشند بین جنگ و گرسنگی و مرگ، یکی را برگزینند. باید، اما چه وقت و چگونه؟

## نحوه استخراج منابع تازه نفتی بررسی می‌شود



در این ماه سازمان ملل متحد کنفرانسی را با مسئولان ایالت «آلبرتا» کانادا ترتیب داد. در این ایالت دو شرکت حفاری و کشف معادن هم اکنون حدود صد هزار بشکه نفت خام از دل سنگ استخراج می‌کنند. طبق مطالعاتی که انجام شده منابع نفتی این منطقه حاوی ۹۶۷ میلیارد (هزار میلیون) بشکه نفت است که از تمامی منابع نفتی عربستان سعودی بیشتر است.

## جنگ‌های نامنظم در آنگولا

زیر آفتاب سوزان افریقا گماندهای «جونا س‌سویبی» رهبر ۴۴ ساله «یونیتا» به مرزهای جنوبی آنگولا نفوذ کرده‌اند. دسته‌های کوچک سرباز در کنار جاده‌های اصلی جمع آمده بودند. قصد آنها پاکسازی در جنگل با نام رمز «چیانانو» بسود در دهکده‌ای که در قلب جنگل‌های آنگولا قرار دارد، جلسه سالیانه اتحادیه ملی برای آزادی کامل آنگولا از قید سربازان کوبانی روسی و رژیم کمونیستی تشکیل شده بود. «س‌سویبی» اظهار داشت که شایعه مربوط به مرگش را دشمنانش که همان کمونیست‌ها باشند منتشر کرده‌اند و لسی علی‌رغم این نوع شایعات به مبارزه خودش علیه امپریالیسم شوروی و وابستگی‌اش ادامه خواهد داد.

«س‌سویبی» در ملاقاتش با خبرنگار مجله تایم ادعا نمود که جنبش «یونیتا» تاکنون بخشهای مهمی از جنوب و مرکز کشور مارکسیستی آنگولا را علی‌رغم تلاش ۱۷ هزار کوبانی مستقر در ایسن کشور در دست گرفته‌اند.



۱۲ هزار چریک «س‌سویبی» به سلاح‌های غنیمت گرفته شده روسی از نوع «آک-۴۷» مسلح هستند و به شهرها و مناطق روستایی حمله می‌کنند و قرار-گاههای سربازان کوبانی و دولتی را منهدم و دوباره در فقر جنگل جایگزین می‌گردند. آنها تاکنون خط آهن حیاتی «پن‌گولاه» که وسیله انتقال سنگ معدن از زئیر و زامبیا به بندر «لویتو» در اقیانوس اطلس است تحت اختیار خود گرفته‌اند این اقدامات باعث تضعیف دولت «اکوسیئوتو» شده و اقتصاد آنگولا را تقریباً فلج نموده است.

نیروهای «س‌سویبی» به برکت به کار بردن تاکتیک‌های جنگ نامنظم تاکنون دست نبرده باقی مانده‌اند. به عنوان مثال برای اینکه نقل و انتقال وسایل جنگی و نفرا ت بدون خطر باشد همراه با گله‌های بافالو و فیل حرکت می‌کنند. این نه تنها گماندوئی را از خطر حمله هوایی و مین‌ها دور نگه میدارد بلکه به آنها اطمینان می‌دهد که همه غذای خوبی در کنار خود خواهند داشت.

چهار سال پیش، پس از آنکه پرتغال از مستعمره خود عقب نشست نیروهای آن-تو، که توسط ۲۵۰۰۰ کوبانی حمایت می‌شدند، نارضایتی «یونیتا» و

کمپانیهای نفتی سرگرم پیدا کردن روشی هستند تا به کمک آن بتوانند این عمل را به آسانی انجام دهند. یکی از روشها این است که روایتی و سیالی نفت خام را به وسیله حرارت دادن در زیر زمین زیادکنند. تجربه نشان داده است که قبل از تزریق هوا و آب این حرارت دادن یکسال باید بطول بیانجامد.

در زمانی که قیمت نفت جهانی بسا سرعت بالا می‌رود چنین تکنیکهای پیشرفته و پیچیده‌ای هر روز پرمنفعت‌تر میشود. مسئولان کانادایی پیش‌بینی می‌کنند که نفت سنگین بتدریج جای نفت معمولی را می‌گیرد ولی آنها معترف به این امر هستند که با تمام پیشرفت‌هایی که در این زمینه از آن انتظار می‌رود بالاترین حدس آنست که کانادا به مرز خودکفایی از نظر فرآورده‌های نفتی برسد.

و هوا و ماده‌ای بنام «پیتوین» از ششپاجدا می‌شود که همان ماده نفتی مورد نظر است. کربن و گوگرد و پیتوین سپس بوسیله برخی روشهای شیمیایی از آن جدا می‌شود. بطور کلی ۲۵ تن از این ششپا برای تولید یک بشکه نفت کفایت می‌کند. برای محافظت کردن از محیط اکو-لوژیک طبیعت در منطقه عملیاتی سنگو شن پس از استفاده به زمین برگردانده می‌شود و خاک دروئین در منطقه حفاری احیا می‌گردد.

مخارج بسیار راست. سال گذشته هر بشکه نفت خام بین ۱۵ تا ۲۰ دلار تمام شد حال آنکه برای مقدار مشابه نفت در عربستان سعودی فقط ۴۰ سنت برای هر بشکه خرج میشود و به خاطر مقرون به صرفه کردن استخراج اینگونه نفت دولت کانادا به شرکت‌های تولیدی نفت اجازه داده که از پالایشگاههای ۱۹ دلار برای هر بشکه بگیرد. البته این قیمت در مقایسه با قیمت‌های داخلی کانادا بسیار بالاست در این مورد دولت ۶ دلار تفاوتی را که از این امر حاصل می‌گردد به پالایشگاههای نفتی برمیگرداند. هم‌اکنون این صنعت به مثابه خراش سطح است زیرا که ۹۵ درصد از فرآورده‌های نفتی با روش‌های معمول در دل ششپا باقی می‌ماند. در منطقه‌های دیگر نوع دیگر از منابع نفتی وجود دارد که در اعماق زمین بصورت مخازن عظیم کشف شده است. البته این ماده بسیار چسبنده تر از آن است که با روشهای معمول بتوان آن را به سطح زمین میبارز کرد. هم اکنون

هر انقلاب واژه‌هائی مخصوص برای خود دارد و بعضی واژه‌ها از مراحل اولیه شکل گرفتن انقلاب تا پایان آن و مرحله سازندگی در انواع انقلاب‌ها یکسان و یک نواخت است لیکن با زبانهای مختلف بیان می‌شود. واژه همبستگی و یکپارچگی در روش‌های مختلف و انقلاب‌های متفاوت‌همیشه جایی برای خود دارد و در همه انقلاب‌ها از آن استفاده می‌شود.

در انقلاب اسلامی ملت ایسران از واژه‌های تازه‌ای مانند صبر انقلابی و لزوم صرفه‌جویی گفتگو می‌شود. بطور متداول گوشش چشمه انقلاب پایان گرفتن صبر گروهی از افرادجامه است که پس از طی مراحل مختلف شکل گیری و در برگیری اکثریت جامعه و اشکال متفاوت استقامت این انقلاب روی می‌دهد و بعبارت دیگر می‌توان آنرا نیاز جامعه نامید.

هرگاه در یک جامعه مردم احساس کنند که رژیم یا قسمتی از نظام حکومتی موجود و روش‌های متداول آن نمی‌تواند نیاز واقعی مردم را برآورده کند دست به‌عصیان می‌زنند و در صورت موفقیت انتظاربرآورده شدن نیازهای خود را دارند.

در انقلاب اسلامی ملت ایران که از موهبت یکپارچگی ملت برخوردار بودمردمی که از فساد حاکم پراختجاج و حکومت‌کنندگان به تنگ آمده بودند علیه دستگاه ظلم و زور قیام کردند وموفق شدند،هرچند

حقیقت

## این مصاحبه بسود کیست ؟

مصاحبهٔ اخیر آیت‌الله شریعتمداری با خبرنگار روزنامه انگلیسی‌گاردین، که در روزنامه‌های صبح و عصر تهران (۲۹،۵۸،۲۰۰۸:

به چاپ رسید، تنهایی‌توانه محافل ارتجاعی راست در ایران ومحافل امپریالیستی در خارج ایران را خوشحال کند. احسزاب لیبرال و روشنفکران فرصت‌طلب بورژوا، که دائما نگران «فکادک عمومی جهان» و«انگش محافل ارتجاعی و عوامل تحت‌تعقیب ضد انقلاب و بستگانشان میباشند، باید خوشحال باشند که غرولندها و زاری‌های واعدالتهای آنان در سطوح بالا روحانیت بی‌جواب نمانده و عناصری از مراجع با نفوذ را با خود دارند.

آیت‌الله شریعتمداری در این مصاحبه از دخالت‌خبرویه پاره‌ای کمیته‌ها و تشکیل دادگاه‌های خارج از حیطه دولت‌ناشنودی نشان میدهد، ولی مشخص نمیکنند که‌نظر ایشان راجع به تعقیب و دستگیری عناصر ضد انقلاب و عوامل رژیم سابق توسط مردم و پاسداران و احکام اعدام دادگاه‌ها، که علیرغم خواست مراجع دولتی صورت گرفته و مورد پشتیبانی قاطبهٔ مردم است، در برابر خبرنگار روزنامه انگلیسی‌گاردین چه میباشند. پاسخ تبلیغات مغرضانهٔ مطبوعات ارتجاعی غرب و چار و جنجال ساوانسانه سناتورهای آمریکائی و لردهای انگلیسی راجع به اصطلاح نقض حقوق بشر در دادگاه‌های انقلابی ایران و در مورد تبیهاران چیست؟

آیت‌الله شریعتمداری که نگران‌حقوق اجتماعی «ولکای مجلسین منحلّه هستند، بسیار بد در برابر روزنامه گاردین بمسئله اعدام‌ها و دادرسی دادگاه‌ها، که هم اکنون خصمانه مسوود دشنام و حمله ارتجاج و امپریالیسم قرار گرفته‌اند، برخوردمیکنند. ایشان میگویند: «لطبا مجرمین باید تعقیب شوند و به مجازات واقعی برسند، ولی غضبناک بودن (مردم) و تعقیب و محاکمه مجرمین تا آنجا درست و مورد قبول است که از حدودی که اسلام و قوانین مملکتی ایجاب میکند تجاوز نمایند. آیا به نظر آیت‌الله شریعتمداری این خشم و غضب مردم نسبت به عوامل رژیم سابق ومجرمان تحت تعقیب و نیز دادگاهی شدن آنسان تاکنون درست و مورد قبول ایشان بوده است یا خیر؟ ایشان در تمامی مصاحبهٔ خود از اتخاذ یک موضع روشن و صریح در این باره طفره میروند.

اینکه «تا آنجا درست و مورد قبول است» یعنی تا کجا؟ تا کجای اینکارهامورد قبول ایشان بوده و تا کجایش نبوده؟ آیا اینجا که تاکنون شده و یا میشود در «حدودی که اسلام و قوانین مملکتی ایجاب میکند بوده یا نبوده؟ این «قوانین‌مملکتی» کدام قوانین‌اند؟ قوانین رژیم سابق؟ یا قوانین خود انقلاب که چیزی جز بیان‌اراده انقلابی مردم ستمدیده ایران در سرکوب قاطلعان و بیرحمانه تبیهاران، دزدان و بدخواهان ملک و ملت در رژیم سابق نمی‌تواند باشد.

به نظر ایشان، که سرتاسر مصاحبه‌شان با اگر و اما و اظهارات کلی‌تسوام شده

که اگر دوام دوره انقلاب بیش از آنچه که روی داد بطول می‌انجامید حالت انقلابی در مردم بیشتر می‌شد، لیکن بپرحال ملت ایران پس از این انقلاب توقع در بزآورده شدن نیازهای خود داشت که یکباره با واژه‌های صبر انقلابی و لزوم صرفه‌جویی ووبرو شد و آنچنان تصادمی روی داد که نتیجه آن کاملاً مشخص و معلوم شده است. دولت کارمندان و کارگزاران دولتی را در چهارچوبی فران داد و با یک‌بخشنامه از استخدام تازه خودداری کرد و کار با گروهی را که در رژیم گذشته مسند امور بودند – اگر تنها وزیران و معاونان را مجزا کنیم – پراستفاده از جوانان تازه نفس و از داخل و خارج کشور آماده فعالیت بود ترجیح داد. در دوره گذشته این بهانه بود که دولت سعی در پراگندن کارمند دولت دارد و آنها را تشویق بر کار کردن در بخش خصوصی می‌کند ولی دولت پس از انلاب که واحدهای عظیم بخش خصوصی را در اختیار خود می‌گیرد معلوم نیست چرا از استخدام تازه‌نفس‌ها و تحصیل کرده‌ها طفره می‌رود.

طرح‌های مختلف که هرچند در دوره گذشته پایه‌گذاری شده بود لیکن نمی‌توان اجرای بسیاری از آنها را مرود تلقی کرد، است، «الآن در مملکت افرادی اعلام می‌-

شوند و ممکن است خیلی بیش از این‌ها یافت شوند که مستحق اعدام باشند ولی باید در طریق تشخیص جرمی که موجب اعدام است دقت زیادتری به عمل آمده آیا در تشخیص جرم تبیهارائی که تاکنون‌اعدام شده‌اند دقت‌کمی صورت گرفته و اشتباهی شده است؟ آیا اعدام‌هایی که تاکنون‌صورت گرفته با تشخیص دقیق جرم و عین عدالت بوده یا آنکه خیر، «از حدودی که اسلام و قوانین مملکتی ایجاب میکند» تجاوز کرده‌اند؟

آیت‌الله شریعتمداری بجای رد و انشای اتهامات زشت و غرض‌ورزانهٔ محافل امپریالیستی به جریان دستگیری‌ها و اعدام‌ها در ایران،مانند فردی دی‌پ‌طرفه که گوئی از ماهیت قضایا بی‌اطلاع است، تنها از اصولی که باید در محاکمات رعایت شود صحبت میدارند. ابتدا میگویند که اولاً «قاضی باید صلاحیت کافی داشته باشد» و نایباً «باید به محکومین و مجرمین حق‌دفاع داده شود و چه‌بسا خود محکوم دروضعی است که نمی‌تواند ازخود دفاع کند باید باو امکان داد تا اگر مایل باشد برای‌خود وکیل بگیرد.» و سپس نظر خویش را راجع به اعدام‌های اخیر در مورد تبیهاران بدین صورت تکیگ و دوپهلو ارائه می‌دهند: «البته در هرکجا که این موارد تاکنون‌تشم خوب نیست.» البته در کجا؟.. خدامیدانند! آخر سیاست بازی تا کی؟ معلوم نیست‌که بالاخره آماج‌اجازات و اعدام تبیهاران و عوامل رژیم سابق که مردمی را غارت و کشتار کرده‌اند، «تاکنون» خوب بوده است و حرفی در آنها نبوده یا آنکه یوه نبوده است و حرفی در آنها بوده و این حرف چیست؟ ایشان که اینشمه درباره «حقوق» جنایتکاران و دزدانی که هیچ حق و حقوقی برای‌شان نباید قائل بود نگران‌اند، دمورد حق مردم که خواهان تسویه حساب‌بیرحمانه با این تبیهاران و قاتلان فرزندان‌شان هستند نمی‌باشند.

ایشان در برخورد به محاکمه عمال رژیم سابق نگران «کاملاً مراعات» شدن «عدالت» در مورد آنها، نگران بد وانمود شدن «اسلام» خودشان (به کی؟...، بسه مجرمان و طرفداران آنها؟) و نگران «تبلیغات سوء وسائل ارتباط جمعی خارج» (یعنی رجزخوانی محافل امپریالیستی ومزدورانشان) هستند، ولی از اینکه سرکوب ضدانقلابیون و حشرات کثیف رژیم سابق با قاطعیت پیش نرود و حق خلق ما برآنان ضایع نگردد، هیچ نگرانی ابراز نمیدارند. آیت‌الله درست دربارهٔ آن چیزهائی نگران شده‌اند که سناتور‌ها و دکان‌های به اصطلاح طرفدار حقوق بشر در خارجه و مطبوعات جبره‌خوار محافل امپریالیستی ابراز انزجار کرده‌اند. ایشان نیز بدنبال بورژوا‌ها و روشنفکران لیبرال منش نگران واکنش خصمانهٔ امپریالیستها و مسزودوران‌شان و تبلیغات سوعشان راجع به «عدالت» و «اسلام» و «انقلاب» ما هستند. لیکن توده‌های ستمدیده و غارت شده و شهید داده ما نه تنها نگران این مسائل و تبلیغات سوء امپریالیستها و عاانشان راجع به نحوه اجرای عدالت و سرکوب ضد انقلابیون و خائنین نمی‌باشند، بلکه از این بابت بسیار هم

از سوی دولت فعلی متوقف شده است و کاهش بودجه دانشگاه‌ها لطمه به سرمایه‌گذاری دانش و بهره‌گیری از متخصصان ایرانی در آینده بدنبال خواهد داشت و با کاهش بودجه دانشگاه‌ها لطمه به سرمایه فارغ تحصیل خارج یا داخل هم از بین رفت طرح‌هایی که سازمان‌های مختلف در دست اجرا داشته به وزارت مسکن معیول شد که بطور مضمّن با حجم کار بسیار امید به سرعت بخشیدن به شروع کار مجدد منتفی خواهد شد و آموزش و پرورش با طرح محدود کردن مدارس بین‌المللی به پذیرش دانش‌آموزان خارجی و از بین بردن مدارس خصوصی قلمی دیگر در راه پائین آوردن کیفیت آموزشی خوب برمی‌دارد.

### صبر انقلابی

این واژه که شاید با انقلاب ملت ایران بدین‌گونه در میان دیگر واژه‌های انقلاب قرار گرفته است‌تعجب همگان را برانگیخته است زیرا صبر هرگز واکنش تند ندارد و پس از انقضای دوره صبر است که‌معمولا انلاب پیش می‌آید و چگونه می‌توان از ملت انتظار داشت که پس از صبربسیار و انقلابی که هریک بنوعی در آن شرکت داشتند و از لحاظ مادی یا معنوی برای

## برگزیده مطبوعات

خشنودند. زیرا این امر نشان میدهد که آنان خط فاصل خود را با امپریالیستها و سایر خسران‌زدگان انقلاب، که به خاطر اعدام عوامل و همدستانشان ژوزه میکشند به قاضیت کشیده‌اند. و این مردم هرگز به کسانی‌که در برابرین موج تبلیغاتی بجای دفاع قاطع از خلق خود و از حقانیت اعدام‌ها در برابر خبرنگاران خارجی کوتاه می‌آیند و در باره «حقوق» مجرمان‌جنایتکار دلواپسی نشان میدهند، هرچقدر هم که‌مقام و منزلتی از نظر گاه دین و مذهب‌شان‌داشته باشند، امتنانی نخواهند کرد؟

آیت‌الله شریعتمداری باز در همین مصاحبه از مسأله اموال تبیهاران وخائنین به‌میین، که همه از غارت مردم و زیر سایه یک دیکتاتوری وحشیانه فاشیستی جمع‌آوری شده بیزاری میجویند، البتهایشان این را قائلند که «اموالی که غصب شده باید به صاحبانش باز کرده.» ولی» فورا اضافه میکنند که «مسئله‌ای بنام قانسون مسأله اموال به هیچ وجهدر اسلام‌نداریم.» اینکه ایشان مخالفت خود را با مسألهٔ اموال دزدان و صحنه‌گردانان استبداد به اسلام می‌بندند سوء استفاده از احساسات مذهبی مردم است وگرنه مقام ایشان اگر نظر دیگری میداشتند امکان آنرا داشت که در اسلام و در تجربه اسلام قانون و توجیه دیگری پیدا کنند. علاوه مسئلهٔ مسألهٔ اموال‌که امروز مطرح است بهمیچرو بشلک مسألهٔ هرمال و منالی بطور کلی نبوده که اینگونه بدان پاسخ داده شود، بلکه‌مسئله برسر اینست که آیا باید اموال هیئت‌حاکمه سابق و عوامل و همدستان استعمار را، که سالها مردم را غارت و کشتار کرده‌اند و تماما از راه مفتخوری و زورگوئی بدست آمده، بفتح مردم مسأله شود یا خیر؟ با آوردن اگر و اما و این حکم بدیلیل وکلی که «مسئله‌ای بنام قانون مسأله اموال به هیچوجه در اسلام نداریم» نمی‌توان ازدست گذاردن بروی مسئله مشخص مسأله‌اموال غارتی و مفت به چنگ آمده قصرنشیمان طفره رفت.

رفتار یک ایرانی مومن به انقلاب در برابر تبلیغات سوء امپریالیستها وعمالشان در برابر تبیثات و لجن‌پراکنی‌های دستجات عوام فریب به اصطلاح طرفدار حقوق بشر و در برابر خبرنگاری که میکوشد نظشر شخصیت‌های سیاسی و مذهبی معروف رژیم جدید را در مقابل این مسائل جویا شود، چه باید باشد؟ یعنی مردم چه انتظاری از آنان دارند؟ پاسخ مردم روشن است پاسخ روشنی که از دزون محافل عالیه روحانیت و مراجعی نظیر آیت‌الله خمینی نیز بسا شایستگی و شجاعت برخاسته است. لیکن رفتاری که آیت‌الله شریعتمداری در این مصاحبه نشان دادند برخلاف مصالح مردم و انقلاب این مردم بود و اگر ایشان گمان میبردند که بخاطر مقام مذهبیشان هرچه بگویند کسی حق ایراد و اعتراض ندارد، فقط ما را وادار می‌کند که بگوئیم: پس صدبار بدتر!

آیت‌الله شریعتمداری و کسانی مانند

اجم ان متضرر هم شده‌اند باز هم صبری بمون دریخ پایان داشته باشند. مامام‌های مستون مملکتی همه با بیان کلمه صبر اسلامی هرواحسی را بطور خیلی ساده حتی می‌نند و مردم‌که همواره‌مسئلت خود را جمع کرده‌اند به ناری از عهدیگر معنای صبر انلابی را پرستی دارند.

بخش خصوصی ن ا حد زیادی در سکوت و آرامی است و واحدهای معتنفی که تاکنون در اختیار دوت قرار نبرفته‌اند نه‌تنها حاضر به سرمایه‌گذاری نیستند‌بلکه هرروز منتظر تعیین تکلیف خود هستند و از پرداختها بااستخدامخودداری می‌کنند. جوانان که پس از انلاب با سود و استیاق فراوان می‌خواستند در جامعه شرکت کنند و مرغ تحصیلان خارجی که رعاکردند خوب به را و به ایران آمدند، همه پایک جمله نرم رعایت‌صبرنه‌جویی و منع‌استخدام روبرو شده‌اند. بخش خصوصی به دلایل عنوان شده حاضر به جذب نیروی کارتازه نیست و دولت هم به همان کارمندان دوره گذشته پسند کرده است و معلوم نیست بلیط هوایی‌ها بازرگنت این دانشجویان را که برای خدمت به مبین آمده‌اند چه دستگاهی پرداخت خواهد کرد که حداقل آنها را به زندگی هرچه ساده‌تر خودشان

# فلسفه صبر انقلابی و صرفه‌جویی بعداز انقلاب چیست

بازگرداند. گروهی با خود می‌اندیشند که پس از انقلاب صرفه‌جویی آنچنان مکانی نمی‌باید داشته باشد و عکس آن یعنی استفاده از بودجه در راه بهبود وضع‌کشود و افراد آن نیاز پس از هرانقلابی است. دولت در حال حاضر مسئول عدم پذیرش کادر تحصیل‌کرده در امور اداری دستگاه مملکتی است و معلوم نیست بی-توجهی به این کادر طبق ضابطه‌های صورت می‌گیرد یا تنها غفلت و گرفتاری دولت را باید بهانه داشت.

از سوئی وزیر فرهنگ و آموزش عالی در جلسه‌های بحث با گروهی دست اندرکاران آموزش از کمیت می‌گویند و شرایط موجود را تنها در افزودن برخی تحصیل کرده می‌داند و کیفیت را چندان درنظر ندارد وازسوی دیگر استفاده نکردن از کادر تحصیل کرده که هرچند یکبار در گوشه و کنار سازمان‌های دولتی متخصن می‌شوند این تصور را قوت می‌بخشد که بعضی مسئولان در پیچ وخم‌های مسائل مختلف مملکتی مشی اصلی را از دست داده‌اند و دچار سرگردانی شده‌اند.

وزارت آموزش عالی عنوان می‌کنند‌که نیاز به متخصص دارد ولی در عدل به فکر

خصلت‌ها و سنت‌های فرهنگی خودش و از سوی دیگر راه خود را برای اقتباس چینه-های خوب فرهنگ خارج باز بگذارد. انلاب فرهنگی برای ایران یعنی همین.

«بامداد»

## سکوت بزرگ

پس از ارائه‌ی طرح‌های ملی شدن بانکها – ملی شدن صنایع و جباد برای سزاندگی، طرح با لایحه‌ی ملی شدنشرکت های بیمه نیز از سوی دولت اعلام شد و به این ترتیب، دولت بازرگان بدون‌تبلیغات مقدمات برگ برنده‌ی دیگری را به مردم و بویژه نیروهای رادیکال، پیشکش کرد. بهرغم این شیوه، جمعیت‌های مخالف، مواضع انفرادی خود راهمچنجان حفظ کرده‌اند و معتقدند که در دست گرفتن مدیریت بانکها صنایع و بیمه‌ها با ملی شدن آنها تفاوت دارد و دست سرمایه‌داران را بطور مطلق باید از خوان گسترده‌ی‌اقتصاد کشور کوتاه کرد.

باین ترتیب، روزی نیست که‌پاره‌ای احزاب و نشریات تهرانی و شهرستانی مهندس بازرگان را مورد خطاب و احیاسا عتاب قرار ندهند و به‌عمل گوناگون از قبیل نوسازی اژتس، مسایل اقتصادی و رفتار خشونت‌بار گروه‌های فشار، دولت را مورد استیضاح مشروط قرار ندهند، اما نخست وزیر هنوز هیچ پاسخی بصورت کتبی یا شفاهی به اینگونه منتقدان نداده و تا آنجا که خبرنگار خصوصی اطلاع دارد، مهندس بازرگان مصمم است در برابرنامهٔ انتقاد-های حزبی و مطبوعاتی، سکوت خسود را همچنان حفظ کند.

انقلاب اسلامی

### آیت‌الله کنی

## اعترافات سعادت‌ی از خود اوست

حضرت آیت‌الله مهسوی کنی سرپرست کل کمیته‌های انقلاب اسلامی ایران در مورد مسائل مختلف مملکتی از جمله بازداشت و بازجویی از آقای رفسا سعادت‌ی ، مسائل کمیته‌ها قانون اساسی به سؤال خبرنگاران پاسخ دادند: کمیته‌ها معمولاً زندان ندارند و کسی را بازجویی نمی‌کنند و دستگیری افراد در روزهای اول انقلاب بوسیله مامورین‌کمیته بدون مجوز دادستانی صورت میگرفت وان به‌این علت بود که هرکس وظیفه خودمی-دانست که متهمین و مجرمین را دستگیر کند ولی در شرایط کنونی بدون اجازه دادستانی کسی را دستگیر نمی‌کنند.

و اما در مورد دستگیری سعادت‌سی هیچگونه اطلاعی ندارم و آنچه که من‌مطلع هستم محدود است به جریان تعقیب وبی-گیری عده‌ای که ماموریت این کار راداشتند. پاسداران انقلاب در برخورد بسا مرادهٔ آقای سعادت‌ی با جاسوس شوروی ایشان را دستگیر کردند. و در موردشکجه سعادت‌ی گفتند که: هیچگونه شکجه درباره ایشان در کار نبوده و پس از سه روز آقای هادوی دادستان انقلاب با ایشان

### جبهه ملی

ادغام چند دانشگاه یایک دانشگاه در واحد دیگر است که بخوبی می‌دانیم چنین ادغامی نه بسود دولت است و نه دانشجو وبهانه کمبود کادر عیات علمی است که نظایر آنها هرروز در وزارت کار و داد‌سنسری متعحن می‌شوند و با گلمی وسمآوری بسته می‌کنند.

ملت ایران هنوز صبر دارد، درحالی که نمی‌داند چرا، لیکن شاید این دولت است که نباید بیش از این مردم را در صبر انقلابی نگه‌دارد بدون اینکه هدف آینده و روش‌هایی که برای پیشبرد اسود در نظر گرفته می‌شود را به‌اطلاع مردم برساند.

حالا که دولت این چنین کارمند جذب می‌کند، استخدام فارغ‌التحصیلان کاری‌است ساده که در نهایت امر کمک‌به اصلاح و بهبود جامعه در آینده خواهد بود و تنها شاید یک فکر بافی مانده باشد که آیا دولت هم مانند بعضی مقام‌های مسئول در دولت معتقد است که با چند جوان بی‌تجربه امور کشور می‌گذرد و با مهندس بازرگان‌که خود استاد دانشگاه بوده در نظر می‌گیرد که امور یک کشور با صبر انقلابی و منع استخدامی و صرفه‌جویی نمی‌تواند هدف یک انقلاب راستین باشد و به آن کمک‌کند.

دیپیم

ملاقات کردند اثر شکجه در بدن ایشان ندیدند و طبییی برای بازده از ایشان‌رفته بودند هیچگونه آثار شکجه‌ای ندیدند ولی این احتمال می‌رود که هنگام دستگیری در اثر مقاومت آقای سعادت‌ی دیگری پیش آمده باشد ومنجر به لگد و یا سلی‌شدن باشد.

## نو پمان زنده ...

### ای ایران

از آنسوی سده‌ها از پشت کومه-های بی‌شمار و گذرندمی روز‌ها و شب‌ها، از پس ستیغ بلند سال‌ها و ماه‌ها، و از آنور کرانه‌های دور تاریخ تا به امروز، یعنی از گذشته‌ای بی‌آغاز تاکنون، و از اکنون تا آینده‌ای بی‌پایان، تو زنده‌ای.

و تو زنده خواهی ماند، ای ایران. تو زنده خواهی ماند تا چاودان‌زیرا من زنده هستم و برایم گشته، گواهی‌های بی‌شماری دادم. بی‌شمار‌تراز روز‌های تاریخ بلند تو بی‌شمار‌تر از ریگ‌های دشت‌های پهنادود تو.

\*\*\*

\* هنگامی که دوکنار برادران چابناز خود در تنگه «ترموپول» در مسرز میان آسیا و اروپا بگونه‌ی یک سرباز ساده، جان می‌باختم و دروزنای دریای کف‌آلوده فرو می‌بردم بشیکی می‌دانستم که تو،زنده خواهی ماند. چون روان من بی‌درنگ در پیشک آن زندندمی پارتی دادمه و ازتوچان یافتم و با بیگانگان دیگر ستیزیدم.

\* آنگاه که با سیاه روم می‌جنگیدم و بهتنگام نبرد در سرزمین‌های دور بخال درغلتیدم و راه گلومیم راه، گردسم‌اسپان جنگی می‌یست، می‌دانستم که تو...زنده خواهی ماند، زیرا بی‌درنگ در خروش و فریاد دلیران خراسانی زنده شدم و ازتو، آسمان و زمین را لرزاندیم.

\* در آن روز‌ها که در «تهابوند» و «جلولا» و «قادسیه» استخوان‌های ستون می‌رها و دنده‌هایم در زیر پای تازیان دهم می‌شکست، و از درآمیختن خون من با خاک تو، ای ایران چاودان، گلی‌ساخته می‌شد تا گل اسلام را زیباتر ومرحم‌تر برویاند، بازم می‌دانستم که تو، نخواستی مرد، چون دوشن بود که دیرگاهی نمی-پاید که روان نمردنی من‌در پیشکیرغیوب‌ها وظاهرها و باطن‌ها و مرد‌آویزها ومازیدارها دمیده می‌شود و با اینکه کیش خدایی اسلام را پذیرفته بودم، هیچگاه ننگ‌زیر سایه تازیان بودن را پذیرا نشدم.

\* روزی که گردنم با تیغ پلید مغولان آشنا می‌شد و چشمانم را سیاهی مرگ فرا می‌گرفت و حتا میدان نیاسفتم تسا چاودانگیت، را فریاد کنم، امید استوار داشتم که این مردن همیشه نیست، و همیشه‌گونه هم شد. چون اندکی پس از آن در مشت گره‌گردی جلال‌الدین خوارزمشاه لگام اسب مردانگی را فشردم و به آن‌فرمان دادم که بر توده مغولان بتازد تا با شمشیر دلیری از کشته‌ی آنان پشته‌ها بسازم و آنگاه بر سینه‌ی گسترده‌ی رود «سند» بزنم و گروه دشمنان را به شگفت آورم.

بقیه در صفحه ۷

# ارزش انکار ناپذیر خانواده، در کار آئی جامعه

موقعیت زنان با دیگر گروههای اجتماعی ستهدیده و استثمار شده تفاوت بسیار دارد. آنها نیمی از جامعه انسانی هستند که در بعضی موارد با بهره و مانند مردان استثمار شدهاند ولی در همان حال که در عمل کار خود مورد ظلم قرار می گیرند. محیط خانه نیز این ستم را فزونی می بخشد و ترکیب این دو موقعیت موجبات خفان زنان را فراهم می سازد.

عبارت آزادی زن را غرب زدگانی بکار بردهاند که به تقلید از روشنفکران اروپایی برای فعالیت های هنری خویش زن را به

**در این دوران ، زن ایران باید با حفظ ویژگی هایش به عنوان یک زن و با آگاهی یافتن به موقعیت واقعی خویش در جامعه بطرف انسان شدن و انسانی سازنده شدن رهسپار شود .**

عنوان «مزه» در بزم های شبانهی خود فراداد او را به عنوان وسیلهای جهت تحریک فعالیت های هنری بکار می برند و اسباب تر آنکه زمانی که در بزم این

**خانواده مانند خود زن به عنوان یک شیبی طبیعی پدیدار میشود اما در عمل یک آفرینش فرهنگی است**

روشنفکر نمایان به اصطلاح آزادخواه! استثمار می شوند خود را متجدد، آزادخواه مدرن و پیشرو تصور می کنند. در چنین گستره ای از همگسنگی هاست که مفهوم همه چیز عوض می شود و «زن آزاد» به کسی اطلاق می گردد که به خانواده پشت پا می زند. ارزش های اخلاقی را بدور می افکند و بی پروا از بی بندوباری های اخلاقی و نوابی خصوصی زندگی داد سخن می دهد. با یک اختلاف که بر خلاف مردان و زنانی که در تمامی دوران های تاریخ به این عمل ها مشغول بوده اند و مارک منحرف و هرزه به آنها می خورد،

رفته است و می رود، لیکن بدرستی که این آزادی ها ریایی بوده ، تنها از ظاهری فریبنده برخوردارند و بهین جهت زنان باید ، با شناختن مدعیان این قبیل آزادی ها و هدف های آنها خطر مسخ فرهنگی و ایجاد شبه فرهنگ مومیایی شده را دور کرده و هوشیار باشند که آلت دست گروهی عوام فریب و به اصطلاح روشنفکر قرار نگیرند، روشنفکر نمایانی که با اشاعه منطق «زندگی کردن در لحظه ها» شخصیت انسانی زن را از او گرفته و او را تبدیل به بازیچه ای بی ارزش کرده اند. بدینتی اینجاست که در این مرز و بوم،

در اینکه زن باید در اداره ها و موسسه های تولیدی کار کند ، هیچ تردیدی نیست، ولی نباید وظیفه تعلیم و تربیت کودکان نقش جنبی پیدا کند و طوری نمایان شود که در خانه به تربیت کودکان همت گمارده ، حقیرتر از زن کارمندانست، چه خوب بود اگر زنان بجه دارنیز از شوهران خود ، بلکه از دولت حقوق دریافت می

علیه مرد و خواستار همان حقوق غیر انسانی شدن سر آغاز نوی نظام کمیختگی اجتماعی است

بطرف انسان شدن و انسانی سازنده شدن رهسپار شود. زن تنها با مبارزه ای پیگیر علیه تمامی عواملی که در از خود بیگانگی او موثرند خواهد توانست به آزادی واقعی دست یابد. در این روند مرد رانیز از موقعیت غیر انسانی خود دور کرده ، همگام با او در پیشبرد عدل های عالی انسانی قدم بردارد. مساله اینجاست که نیا موخته ایم چگونه انسانی گام برداریم. چگونه انسان باشیم و چگونه انسان زندگی کنیم.

نکته مهم اینجاست که آزاد سازی فکری را زن باید آغاز کند ، زنی که چه بسا آزادی را در اسارت زرق و برق عاو ظاهر سازی ها بینمارد.

بی گمان برخلاف زنان غرب زده ای که به تقلید از جنبش های به اصطلاح آزادی

**در نظام گذشته هم بودند زانی که جهت خلاف کالا شدن خود ضابطه های مسخ شده و ارزش های فرهنگ و ارداتی قدم بر می داشتند .**

داشتند تا مجبور نشوند در جامعه ای که نیاز ها بیشتر از درآمد ها گسترش می یابند برای کمک به هزینه خانواده و به کار مشغول شوند و کار در خانواده ، کار محسوب شود و برای دگرگونی نظام فکری و فرهنگی جامعه باید دولت ملی دست به کار شود تا آزادی مفهوم راستین خود خود را بازیابد.

روشن است که یک انسان واقعی می تواند برغم زمان و مکان و نظام فکری مورد پذیرش جامعه و توجیهات ارائه شده و دلیل های منطقی پذیرفته شده ، گام بردارد، ولی شمار این گونه انسان ها اندک است در نظام گذشته هم بودند زانی که جهت خلاف کالا شدن خود و ضابطه های مسخ شده و ارزش های فرهنگ و ارداتی قدم بر می داشتند و خواهان خواه موجب انتقال ارزش های خود به دیگر زنان می شدند که بی گمان در خود شایسته ترین اهمیت است ولی تأثیری که آنان بر اجتماع می گذاشتند ، به مراتب کمتر از تبلیغات همه جانبه ای بود که دولت های دست انجام می دادند. در اینجا باید نقش سازنده و تأثیری که می تواند داشته باشد یاد آوری گردد. ترغیب و تشویق مردم و جهت دادن به افکار

انسانی فکر کردن با هوچی گری متفاوت است. باید دانست تساوی حقوق زن و مرد تشابه حقوق آنها نیست. زن و مرد دارای تفاوت هایی انکار ناپذیرند که در کارآیی آنها در جامعه تأثیر می گذارد

**انسانی فکر کردن با هوچی گری متفاوت است باید دانست تساوی حقوق زن و مرد، تشابه حقوق آنها نیست**

چنان طرز تلقی از تساوی هرگز منجر به ایجاد یک زندگی انسانی نخواهد شد. بعضی از زنان بیبوهه می پندارند اگر خانه و زندگی خود را رها کرده از تربیت فرزندانشان غفلت ورزید و اساس خانواده را برای کار در بیرون از خانه درهم بریزند ، به استقلال و آزادی و تساوی رسیده اند. ولی چنین برداشت های غلطی سرانجام سبب خواهد شد که زن نقش خود را به عنوان یک مادر دلسوز، یک همسر خوب و یک انسان آگاه در خانه از دست داده ، مورد اجتماع نیز به عروسکی رنگ و روغن زده که تنها هدفش صرف کالاهای تجملی است بدل شود

زنان ، زن و مرد را به جان یکدیگر انداخته اند. قصد از اظهار چنین سخنانی بیچون و چرای نیست که زن را علیه مرد بشواریم و آنها را همدار دیم که آزادی در غلبه بر مردان است! ما می گوئیم در این دوره خانواده بیش از هر زمان دیگر نیاز به وحدت و همبستگی دارد، و رسانه های گروهی و روشنفکر نمایان سودجو هر روز به بهانه های زن دا وسیله غرض ورزی های خود می سازند. زن ایرانی به عنوان عنصر پویای انقلاب آگاه باشد تا در این ورطه هولناک به دره بدبختی و اسارت سرنگون نگردد و جامعه را به انحطاط دچار نسازد و گرنه شورش زن بر

ملت ابدی است و ما ناچاریم از مغازه ای که فقط آذین پنجره اش را عوض کرده است، همچنان کالای حرف و شعار، دروغ و مصلحت آمیز، «باید» و «نباید» و تهمت و برچسب تحویل بگیریم؟ کسی حواسش با ایران نیست. همه دلمشغول سوداهای دیگری شده اند. کسی حواسش با این قوم و این ملک نیست.

یک روز می گفتم باید جان تو را بردارم و از این سرزمین ظلم و شکنجه و غارت به دور ببرم. امروز اما کسی نمی تواند مرا از این خاک براند. دلم برای ایران چه بد می تپد و چقدر تگران است. ایکاش بگذارند باور کنیم که ایران، ایران دیروز نیست. ایکاش فائده سالاران این مردم خسته و غزادار و ورشکسته را از قدرت و

داریم از هم می پاشیم. و من دیگر نمی توانم تن به سکوت و رضا بدهم. ایران مال من است جمشید. مال تو است و عزیزتر از آن است که ملعبه غرور و مسابقه های ابلهانه نایبگان و خودکامان شود. ما بیای پیروزی این ملت و تمامیت خاک وطن را از پیش برداخته ایم. ایران مال ایرانی است، مال ایرانی کرد، مال ایرانی آذربایجانی، مال ایرانی خوزستانی، تفرقه راه رستگاری ما نیست. ایکاش بگذارند با هم بمانیم. مردان مسابقه، مردان تاخت و تاز، ایکاش بیدار شوند و بخود بیایند. آن صدر، آن بالای بالا، آن تخت عاج و فیروزه مال آن مترسک پوشالی بود که سرنگون شد و رفت. کسی نمی خواهد به جای او بنشیند. کسی روا نیست که برجای او بنشیند.

## موضوع اصلی ایران است

از اتفاق و از آن اداره خودم را انداختم بیرون. سر چهارراه سیدعلی دایم به پهنای صورت اشک می ریختم. نگاه بسرک روزنامه فروش چه مزاجم بزرگی بود. در آن حال به هیچ جا نمی توانستم پناه ببرم، جز به خانه یک دوست خوب که عیوالت از من نمی پرسد چرا که کرده. تا قهوه ای برام درست کند. چند دقیقه از اتاق بیرون رفت. روی میز دفترچه یادداشت هایی که برای پسرش می نویسد باز بود. او در آخرین یادداشتش نوشته بود: چو شید، هرگز نمی دانستم که نام وطن این قدر بزرگ است و عزیز. هرگز نمی دانستم که این گریه کوچک روی نقشه راجنسن دیوانه وار می پرستم. سال های سال به من و چون من هایی تلقین شده بود که این فضولی ها به سرمان زیاد است. این خاک خالک ما نیست، صاحبان دیگر و اربابان خود من هستم که شش ماه پیش هم قرار بود عمال ساواک کلکم را بکنند و متوعد بودی

استانی از سال های دور، پشت میز نارش، دودروی من نشسته بود. سراپا اندوه دل شکستگی. سراپا غم ایران، می گفت: تاریخ به یاد ندارد... تاریخ به یاد ندارد که ملتی، پس از پیروزی و نجات خویش از چنگ هر اهریمنی، خودی یا بیگانه، چنین تیشه به دست بگیرد و به جان خود و خانه خود بیفتد. اشکش را از پشت شیشه تیره عینکش می شد دید. می گفت: آذربایجانی ها از ما بریده اند برو ببین در زاهدان چه خبر است. خیر پناهنگری کرده ام راه که حتما توی روزنامه ها خوانده ای «کی بود کی بود من نبودم» گم کرده ایم. از قضا همه آنها بی هم که بوده اند از همه بلندتر فریاد می کشند که ما نبوده ایم اقبالشان هم بلند است. چون باورش نمی کنند و می پذیرند نشان. می گفت: تهدید کننده همان تهدید کننده دیروزی است و آن که تهدید می شود، باز خود من هستم که شش ماه پیش هم قرار بود عمال ساواک کلکم را بکنند و متوعد بودی

**ایران مال ایرانی است. ما بهای پیروزی این ملت و تمامیت خاک وطن را از پیش برداخته ایم**

بر ما چه خواهد رفت...؟ خیابان داغ بود. راننده تاکسی می گفت، «نه خانم، عین آنوقت ها ارزانی فقط حرف توی روزنامه است. بیه واسه چی دو برابر شد؟ زردآلوی کیلویی هیجده تومان کی می تونه جلوزن و بچه بگذاره...» ژیل

شهرت تسخیر نکند. ایکاش آن سرعستی ها به این دیار برنگردد. جمشید، باز زمره زود و تهدید در شهر است. باز پیچیده ظلم و زندان، حرف از قدرتهای مروز، چهره های ناشناخته، هرکس یک گوشه را جسیبه است و دارد همه را به خود می کند. آیا محکومیت این

ایران، چه نام بزرگی است، چه ظن با شکوهی دارد و تصور تکه تکه شدنش، تصور در هم شکستنش، پس از آن همه مصیبت که بر مردم این خاک گذشت، چه دردی است، چه درد عمیقی است. نوشته بود:

### سردبیر محترم

تحصن کارمندان سازمان محیط زیست که از چهارم ماه جاری آغاز شده است هنوز ادامه دارد. سازمان محیط زیست از واحدانی است که اگر در راه رفاه و بهسازی محیط زندگی انسانها عمل میکرد می توانست جوابگوی یکی از طبیعی ترین احتیاجات انسان که حق استفاده از طبیعت است باشد. متأسفانه در گذشته این سازمان با تمام امکاناتش چون وسیله بازی دردست گروهی قرار داشت که از آن در راه استفاده های شخصی و خوشگذرانی های خصوصی استفاده می کردند.

بهترین نقاط کشور را بنام شکارگاه های سلطنتی و با مراتع بطور انحصاری در اختیار گرفته و در عمل مردم را از استفاده از این منابع عمومی و طبیعی محروم می کردند در این سرزمین حیواناتی تربیت و حیابیت می شدند که تنها توسط عوامل درباری می توانستند شکار شوند. عبدالرضا پهلوی ریاست عالی این سازمان را به عهده داشت و بدینی است که وسای یک چنین سازمانی از چه فحاشی می توانستند باشند. سرپرستی و مدیریت در این سازمان را داشته باشند که از جان و دل بخواهند در راه بهتر رسانیدن اهداف ریاست عالی نهایت کوشش را بعمل آورند. و بهترین

خروج برادر من است که سال های پیش ساواک به او اجازه خروج از مملکت را نمی داد که نمی داد. می گفت: یعنی دولت چقدر و تا کی می تواند به روی خودش نیارود؟ با این حال همه این ها دردی نبود اگر واهمه و دلبره مملکت را نداشتیم. سوءتفاهم هوا سرانجام یک روز پاک می شوند. موضوع اصلی ایران است. من دلم می سوزد. آتش می گیرم وقتی فکر می کنم که یک روز آن خدا نیامرز بتواند سرش را بالا بگیرد و بگوید: من گفتم که بعد از من ایران، ایرانستان خواهد شد. خدا کند دشمن شاد نشویم. این از همه چیز بدتر است.

**آیا محکومیت این ملت ابدی است؟ و ما همچنان ناچاریم از مغازه هایی که آذین پنجره اش را عوض کرده است، کالای حرف و شعار، دروغ و مصلحت آمیز: «باید» و «نباید» و تهمت و برچسب تحویل بگیریم؟**

## تحصن کارمندان حفاظت محیط زیست ادامه دارد

می کند این امر موجب ناراضیاتی هرچه بیشتر کارمندان را فراهم آورده و آنها دست به تحصن میزنند. با گفتگوهای مکرر با سبب ایشان حاضر به لغو احکام صادره نشده و بخشنامه می کند که به کارمندان متحصن حقوق داده نشود (حقوق روزهای در حال تحصن. کارمندان به نخست وزیری مراجعه کرده و عرض حالی تسلیم می کنند ولی به آنها گفته میشود که سمعی نماینده تام الاختیار نخست وزیر بوده و بایستی فقط بایشان رجوع شود. در حال حاضر کارمندان خواستار لغو احکام صادره از طرف عباس سمعی سرپرست سازمان محیط زیست و رسیدگی به وضع کارمندان سابق جهت پاکسازی در حضور نماینده کارمندان و مقامات دولتی است. ولی سمعی هرگونه خواستهای از طرف کارمندان را با استنادهای تورات دانسته و اظهار می دارد که باید از مافوق اطاعت کند امید است تا با سلفدکاری و روشن بینی مسئولان امر و همچنین کارمندان سازمان حفاظت محیط زیست این مشکلات هرچه زودتر حل شده و کار اساسی یعنی نجات محیط زیست از دست سودجویان فرصت طلب که در این روزها حتی از آهوان صحرایی و ماهیان دریایی سیر نمیشوند انجام شود.

قول هرگونه همکاری را بسرپرست جدید میدهد. کارمندان اظهار میدارند که طبق بخشنامه دولت سازمان میبایستی از افراد ناصالح پاک شود و چون عبدالرضا پهلوی قبلا ریاست عالی را داشته است طبقا رسوا را از اشخاص مورد نظر خود انتخاب و تعیین کرده است که مورد قبول کارمندان نیستند. سمعی در مقابل این خواست کارمندان عقیده دارد که تنها با وجود دلائل و مدارک کافی می توان کارمندی را از اداره اخراج کرد. در بی این اختلاف نظر مخالفت از هر دو سو اوج میگیرد تا جایی که آقای سمعی برای تنبیه کارمندان چندتن از آنها را در اختیار وزارت کار قرار داده است (بنام کارمند زانده) عدای را در اختیار کارگزاری و چند تن دیگر را به سرپرستانها منتقل

نمودار فعالیت این سازمان مومیایی حیوانات است که توسط خانواده سلطنتی شکار شده و فعلا در نمایشگاه اداره مرکزی به نمایش عموم گزارده شده است. خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران و گریختن فرصت طلبان اهد آن میرفت که ملت بتواند از حقوق طبیعی خود در سطح مملکت استفاده قانونی کند حدود دو ماه پیش عباس سمعی که از علاقمندان به شکار و طبیعت است از طرف نخست وزیر بر ریاست این سازمان برگزیده شد آقای سمعی کارمند بازنشسته وزارت کشاورزی و نماینده وزیر وقت در هیئت مدیره بنگاه شیمیایی بوده که در سال ۱۳۴۲ بازنشسته شده است و با بازگشت آقای سمعی شورای کارمندان که قریب به ۳ ماه بدون وجود سرپرست این سازمان را اداره میکرد

دلاری که توسط تروتمندان کشور های نفتی ساکن مانده بود ، به اقتصاددوئی دهند . به همین منظور بانکها به کشور های در حال پیشرفت بدون نفت فرسهای سنگین دادند تا آنها بتوانند صورتحساب های نفتی خود را پرداخت نمایند . از جمله این کشور ها ، مکزیک ، برزیل ، تایوان و فیلیپین را می توان نام برد . بطوریکه بانک فدرال امریکا اعلام کرده تاکنون ۲۴ درصد از قروض به کشورهای فاقد منابع نفتی داده شده که خود ریسک بزرگی به حساب می آید . همین عامل باعث شده که بانکداران در دادن وامهای طولانمدت به کشورهایی از این قبیل تمق و درنگ بیشتری کنند .

با احتساب این مسائل ، اگر کشورهای اوپک در شناخت اوضاع جهانی غفلت ورزند يك افزایش دیگر در قیمت نفت باعث بروز يك رکود اقتصادی ددبازار- های جهان می شود . ناظرین اقتصادی اکثرا بر این عقیده هستند که وجود و تنوع چنین وضعی دیدن روزهای درخشان اقتصادی امکان ناپذیر خواهد کرد .

سال گذشته به منظور پشتیبانی از صنایع و سرمایه گذاری دولت کنترل قیمتهای بسیاری از اجناس را برداشت اما همین باعث ترقی قیمت زندگی شد و تورم رابه مرز ۱۰ درصد رسانید

کانادا :

شریک بزرگ امریکا در امور تجارتنیز با مسائل خود دست به گریبان می باشد . دولت محافظه کار جدید کانادا متعهد شده است که تا سال ۱۹۸۵ بیکاری و تورم را به مقدار قابل ملاحظه ای که در حدود ۴ درصد است پایین آورد . یکی از برنامه های پیشنهادی دولت کم کردن مالیاتها به منظور ترغیب توسعه مالی است .

اگر چه کشور های پیشرفته باشکل کمبود نفت روبرو هستند لیکن مشکلات و مسائلی را که هم اکنون بسیاری ازبانکها با آنها دست به گریبان هستندرا ندارند . در سال ۱۹۷۳ که درآمد کشور های نفت- خیز چهار برابر شد ، بانکها در پی آن برآمدند که با دوباره به گردش انداختن

دولت محافظه کارش برای کنترل تورم بالا و کاستن مخارج دولت ، اقتصادکشور متزلزل است . با اینکه منابع نفتدربای شمال اتکای این کشور را به «ایک» کمتر کرده هنوز واردات بر صادرات فزونی دارد .

ژاپن :

بعداز طولانی ترین رکود اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم ، ژاپن دوباره بحرکت افتاده است . روند رشد ملی این کشور بالغ بر ۷٫۴ درصد است . لیکن صادرات این کشور که باعث جدالهای بسیار بین این کشور و هم پیمانهایش شده درسال ۱۹۷۸ کاهش یافته است . در سال جاری ، بحران نفتی باعث خواهد شد که توسعه اقتصادی از ۵ درصد تجاوز نکند .

فرانسه :

افزایش مخارج مصرف انرژی ، پروژه رشد اقتصادی برژیدنت « ژیسگاردستن » را از ۳٫۷ درصد به ۳٫۴ درصد تقلیل داده است . ولیکن دولت فرانسه هنوز برنامه های خاصی برای صرفه جویی در مصرف نفت دامود بررسی قرارداده است



## تهدیدی بزرگ برای رشد جهانی

TIME Chart by Nigel Holmes/Jack Davis



است که این بحران دیگر همه گیر نیست و به آن شکل اقتصادی دنیای آزاد را فلج نخواهد کرد

آلمان غربی

اقتصاد آلمان غربی طبق معمول در وضع بسیار خوبی به سر می برد . تنها مایه نگرانی تورم است . روند سالانه افزایش قیمتها در سال ۱۹۷۸ - ۷٫۴ درصد بود . صادرات آلمان غربی در سال گذشته ۱۲ درصد افزایش فراوان یافت بطوریکه ۱۲ درصد کل صادرات جهان را به خود اختصاص داد .

ایتالیا :

تولیدات صنعتی که یکی از باارزترین نمونه های يك اقتصاد سالم است ۷٫۳ درصد در چهار ماهه اول سال جاری مسیحی بالا رفت . علاوه بر این درماه آوریل ادا میلیارد دلار اضافه بر موازنه پرداخت در خزانه دولت وجود داشت . لیکن ناظرین اقتصادی بواسطه بالا رفتن قیمت نفت آینددرخشانی در زمینه اقتصادی در نیمه دوم سال پیش بینی نمی کنند .

بریتانیا :

علیرغم تلاشهای خان « مارگارت تاجر»

بیکاری و کاهش تولیدات را می توان برشمرد . کسری موازنه پرداخت امریکا در این دهکده برای سومین سال متعادی رکود شکست . بالا رفتن تورم داخلی و پایین آمدن ارزش دلار از دیگر عواقب تصمیمات کشور های نفت خیز است . مسئله شکست انگیز دیگر آن است که کشور های اروپایی که دوزی امریکا را به عنوان لوگوموتیواقتصادی دنیامی شناختند هم اکنون از بحران اقتصادی که گریبان این ابر قدرت را گرفته ، به هیچ وجه تعجب نمی کنند در کشور های دیگر صنعتی با اینکه درصد رشد اقتصادی روند همیشگی ۱۲ درصد را داشت لیکن تورم در میان ۲۴ کشور دنیای غیرکمونیسیت میانگین افزایش ۱۰٪ را داشته است که رکوردی محسوب می شود .

از نظر اقتصادی ، کاهش رشد امریکا باعث پایین آمدن تورم و کاهش فشار کم شدن نفت می شود . این عامل راه را برای آلمان غربی و ژاپن برای رشد اقتصادی هر چه بیشتر باز خواهد کرد . تفاوت بزرگ این رکود اقتصادی با آنچه که در سال ۱۹۷۴ اتفاق افتاد در این

چگونه کنفرانس آینده اوپک درسرنوشت کشور ها اثر دارد ؟

دنیای در هفته گذشته به دو قطب اقتصادی تقسیم شد ، یکی کنفرانس مشترک وزرای نفت کشور های نفت خیز در ژنو و دیگری گروهانی رهبران نفت کشور صنعتی دنیای غرب . ابر مردان دنیای اقتصادی غرب تصویری تاریک و مبهم از آینده جهان برای جهانیان ترسیم کردند . رهبران کشور های صنعتی همه در این زمینه متفق القول بودند که ولع و آزبی حدکمیانی- های نفتی ، آسمان سیاسی واقتصادی جهان را بسیار تیره کرده است .

چنین بدبینیای بی دلیل نیست . يك افزایش دیگر قیمت نفت اغلب کشورهای دنیای آزاد را با بحران اقتصادی روبرو خواهد کرد . تاکنون صورتحسابهای نفتی کشور های صنعتی به رقمی بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار رسیده است . این کشورها هم اکنون ۱۲ درصد از درآمدهای صادراتی خود علاوه بر بودجه های قبلی را برای پرداخت این صورتحسابها تخصیص دادند . از پی آمد های افزایش قیمت نفت در ژاپن و اروپای غربی ، بالا رفتن سطح

## «وحدت» یعنی وجدان آگاه ملی

شود که در آن مردم همه باهم یاد می گیرند که چگونه جهانی را که می خواهند مشخص کرده ، آنرا بسازند . این چنین تجربه ای حقیقی است . خدمتگزاران انقلاب نمی توانند جهانی را که در آن زندگی می کنند ، خودبه تنهایی نامگذاری کنند و در راه سازندگی آن بکوشند ، پس باید آنرا به کمک مردم بنا کنند .

حقیقت اینستکه ، کسانی که مردم را سازمان می دهند ، نه می توانند آنها را در کنترل بی حصر قرار دهند و نه باید جواز بی بندوباری صادر کنند . زیرا بدون قدرت و نفوذ ، آزادی وجود ندارد . آزادی و قدرت را نمی توان از یکدیگر مجزا نمود ، بلکه باید همواره آنها را در يك رابطه ی گفتگویی قرار داد .

اگر نفوذ قدرت فقط به سادگی از يك گروه به گروه دیگر انتقال یابد بهرور فاسد شده به دیکتاتوری بدل می شود .

تنها زمانی می توان از تناقض بین آزادی و قدرت جلوگیری بعمل آورد که آزادی در جریان همیشگی تحول به قدرت در حال «گردش دیالکتیکی» باشد .

درست همانطور که قدرت حقیقی بدون آزادی امکان پذیر نیست همانگونه نیز آزادی بدون قدرت حقیقی امکان ناپذیر است . کنترل بیش از حد ، آزادی را و بی بندوباری مطلق ، قدرت حقیقی را از بین می برد .

بطور کلی سازمان دادن لازمه قدرت است ولی قدرت را با قدرت طلبی اشتباه نکنیم . سازمان دادن يك روند عمیق آموزشی است که در آن دولت و مردم با یکدیگر قدرت حقیقی و آزادی راستین را تجربه می کنند .

بین حرف و عمل دولت باید هم آهنگی کامل موجود باشد ، شهادت برخوردار بسا مشکلات وحل و فصل آنها وکسب بیان نقطه ضعفها ضرور است . شهادت به نامی کنار آمدن و سازش با يك جهان بی عدالت نیست بلکه در ایجاد دگرگونی ، منبع ازدیاد جنبش برای آزادی انسان است .

اعتقاد و اعتماد به مردم اصلی انگار- ناپذیر است که دولت باید بدان معنای واقعی متکی باشد . هرگونه دخالت حقیقی ، یعنی انقادی ، لازمه اش جرات مقابله با خطر است . حتی امکان اینکه شماری از مردم قدرت رهبری دولت انقلابی را قبول نکنند و بدنبال برنامه های دولت برای ایجاد انقلاب اجتماعی نروند ، نباید سبب دلزدگی کسانی شود که می خواهند به مردم آگاهی و جدان بدهند .

اگر يك بارویا در يك زمان تاریخی و در يك موقعیت معین ، شخصی که قصد دارد آگاهی وجدان ملی به مردم بدهد ، بسا شکست روبرو شده یا نتیجه ی کارهایش نمربخش نباشد ، نباید فکر کند که نتیجه ی کارش در آینده نیز بی ثمر خواهد ماند . زیرا که دخالت يك اشاعه ی ذهنی یا يك امر انترعایی نیست و در حقیقت دعوتی است برای عدل بشا براین دگرگیری با جهان و افرادی که در آن زندگی می کنند امری طبیعی است . زیرا جهان و انسان همواره با توانمندی با یکدیگر مشغول مجادله هستند و ایستامی باشند . این اساس تحرك بشر است که در چارچوب اجتماعی که ما در آن عمل می کنیم قرار می گیرد .

سازمان دادن به مردم در مرحله ای که برخی از کارکنان دولت انقلابی خودشان نیز نمی توانند جهان موردنظر خود را بیابند ، در حقیقت سبب وجود آوردن تجربه ای می-

قدرتمند و کوبنده نگاه میدارد و از طرفی دیگر بانسبت دادن اساس این قدرت به نیروهای مرموز اجتماعی او را از خود بیگانه می کند . او بین حال و گذشته ای که تقریباً مشابه یکدیگرند و يك آینده بی امید و ستو پا می زند .

بوچود آموختن فرهنگي دارد و به دیگر سخن ، ایجاد وحدت ملی ، پاک کردن ذهن های مردم از ایدئولوژی های ضلعی است .

از آنجائی که اتحاد بین مردم احتیاج به نوعی همبستگی ، بدون توجه به موقعیت بخصوص آنها دارد ، بی شک لازمه ی چنین وحدتی يك نوع وجدان آگاه ملی است .

کوشش برای متحد کردن مردم بسر اساس روش های شناخته شده که محتوای لازم را دارا نیست ، فقط سبب انباشتن افراد با یکدیگر می شود و نمی تواند وحدتی حقیقی را ارمان آورد زیرا اتحاد - لات انسانی امکان پذیر است نه در شرایطی که تبدیل به شبی شده و بطور مکانیکی بهم پیوند داده شده اند و برای نیل به این هدف تنها راه ، سازمان یافتگی مردم است .

سازمان یافتگی نه تنها بطور مستقیم به اتحاد بستگی دارد ، بلکه نتیجه ی طبیعی تحول آنست . بهین نسبت لزوم کوشش- های دولت انقلابی برای ایجاد وحدت بین مردم ، سعی در سازمان دادن به آنهاست . دولت باید باجرات و شهادت و قدرت در کوشش های اجتماعی شریک بوده و در میازات مردم سپیم باشد . این چنین تشریک مساعی خطر کنترل نامحدود را کاهش می دهد و دولت و مردم را همگونی می سازد .

تصادفهای اصلی دیون جامعه باید کشف شوند و اصولی که سبب سرور تصادفا می گردند ، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند .

اتحاد درونی و ایستکان نظام فاسد که بر اساس تنوید و تحکیم سازماندهی استوار است لازمه اش تفرقه افکنی بین مردم است . اما اتحاد دولت انقلابی فقط در وحدت اجتماعی مردم امکان پذیر است بدین معنا که مردم باید با خردمندانه و بی نوبه با دولت خویش به وحدت برسند ، موقعیت قابل لمس استعمار که شخصیت آدمی را دوگانه می کند و سعی دارد که او را در ابهام و عدم ثبات احساساتی و واژه از آزادی روبرو ، اقدامات تفرقه افکنانه ی ضدانقلابی ها را آسانتر نموده و سعی در راه اتحاد و وحدت ملی که جزء تجزیه ناپذیر هر اقدام برای آزادی است ، ایجاد می کند . علاوه بر آن تحکم و تسلط بر مردم خود بخود تفرقه آمیز است ، زیرا از سوی شهادت خفان گرفته را در يك موقعیت وابستگی و انکا ، با واقعیتی

های دیگری تحت لوای مخالفت با رژیم فعلی به آنها پیوسته اند . بازرترین اقسام گروهها ، گروههای مارکسیستی و لیبرالها و ناسیونالیستها هستند . لیبرالها و ناسیونالیستها با عملیات بحیرالعقول خود رنگی دیگری به این نهضت داده اند اینها با کمک از کشورهای اروپائی و امریکای جنوبی سال گذشته برای مدتی محدود ، کاخ ملسی «ماناکوا» را اشغال نمودند ، لازم به تذکر است که رهبران گروه زبور از نمایندگان با قدرت در نهضت «ساندنیست» ها بشمار می روند .

البته بیم آن میرود که بدون یک ائتلاف واقعی بین گروههای غیرمارکسیستی کشور تدریجاً تحت کنترل مارکسیستها و باطبع شوروی قرار گیرد .

## ساندنیست و آینده نیکاراگوئه

نیکاراگوئه در دو قلمی اردوگاه روسیه در نظر برژیدنت «سوموزا» شورش های نیکاراگوئه چیزی جز يك تسووش کمونیستی برای برانداختن وی نیست . او میگوید : تا زمانی که کمونیستها در گویا و پاناما به رساندن اسلحه به چریکها ادامه دهند ، جنگ ادامه خواهد داشت .

دولت گارت نیز نگرانی خود را در مورد نفوذ گویا در جنگ داخلی نیکاراگوئه و چریکهای جنبش آزادی ابراز داشته است . (اف - اس - ال - ان) جنبش مزبور مرکب از چریکهای مارکسیست و سوسیالیست- هاست که با تفرز رژیم «سوموزا» پیوندی موقت باهم دارند . مدارکی که سازمانهای ضد اطلاعات امریکا بدست آورده اند حاکی از این است که هواییهای باری (دی-سی-۵) غربی مرتبا میان پاناما ، گویا و کاستاریکا



يك زن چریک ساندنیست

# جای آموزش حرفه‌ای در پیش نویس قانون اساسی کجاست؟

تکاهی بگذشته صنایع ایران نیازها و ارزشهایی را محسوس میسازد که به آن چیزی جز کشتار ناجوانمردانه استعدادهای و خلاقیتها نمیتوان نام نهاد. سرنوشت اسفبار صنایع سنتی و ملی ما چون ابریشم باقی- پارچه‌بافی- قالی‌بافی گویای چیزی جز این نیست که اگر قرار باشد فرهنگ ملتی پامال گردد باید از صنایع شروع گردد چرا که این نیاز به ادامه حیات است که بدنبالش نیاز به تولید چگون‌موضوعی غیرقابل بحث جلوگرم میشود و این نیاز به تولید است که انسان را بفکر و ابتداع در جهت مبارزه با موانع محیط و سبب‌تر کردن زندگی وامیدارد. در اینجا است که با شناخت این مهم، سلسله‌گر خونخوار ابتدا قدرت فکر کردن را سلب مینماید در حالیکه یک زندگی قشنگ و راحت را چون سینه‌مانی در برابرش به نمایش میکشاند و راه دست‌یابی به آن را هموار و آنگاه انسان را چون معتردی که بیچ چیز جز مخدرش فکر نمیکند بدنبال خود میکشد و چنان در این دنیای رویایی او را غوطه‌ور میسازد که بکلی تمام ارزشها و منزلت‌های فرهنگی و سیاسی او به پوچی میگراید. اکنون به همت مردم جامعه ما این دیسو خونخوار ناچار به عقب نشینی شده است

برین جنگال استعمارکار دشواری نیست ولی تصور اینکه این عقب‌نشینی یک پیروزی جاودانی و کامل است فکری عبث می‌باشد چرا که همانطور که میدانیم و می‌بینیم وابستگی ما بقدری شدید و محکم است که قطع کردن هر یک از آنها اشکالات بس‌بزرگی می‌آفریند که از حادترین آنها میتوان عمم مهارت تکنولوژی را نام برد. دیر زمانی است که در ایران پایبندی سایریناسازیها موضوع مهارت و آموزشگاههای فنی و حرفه‌ای بگونه‌یک مهم مطرح بوده، این مهم که در ظاهر بسیار فریبنده و پریها می‌نمود در باطن از یک لایه‌زوری بی‌اساس‌تر و بی‌پایه‌تر بود و شهادت آن آمارهای غریب و طولی است که سالیانه و شاید بعضی روزانه در روزنامه‌ها و یا در گزارشهای این سازمانها منتشر میشد که چنین و چنان کردیم. بگفته این مقامات امروز ما دیگر نیاید هیچ دردی از نظر مهارت داشته باشیم حتی مسابقات مهارت فنی تشکیل میدادند و یا داوودریادو جاروجنجال جایزه میدادند و بدنبالش جایزه و پست میگرفتند ولی آیا حقیقت موضوع این بود؟ پس چرا امروز که قرار است کارشناسان خارجی اخراج شوند هر روز جلسه پشت جلسه و ناله پشت ناله از طرف مسئولان کارخانجات به آسمان است که اگر این

آقایان پرونده ما کار را به‌که بسپاریم در حالیکه باید بگوئیم هزاران نفر بیکار داریم ولی چرا نمیتوانیم این بیکاران را جایگزین کنیم و یا اصولا در همان خط تولید چرا نمیتوانیم از خود شافلین، تولیدی داشته باشیم که با محصولات نظیرش از نظر کیفیت و مرغوبیت رقابت کند و یا حداقل راندهانی نظیر سائیس کشورها داشته باشیم تا بتوانیم فکری به حال قیمت تمام شده بنمائیم. پس این آموزش که سازمانهای مربوطه ادعا می‌کردند در کجا داده شده و کجا بینه این کارگران ما مری که ادعا میشد به اتکاء آنان تا چند سال آینده ایران یکی از چند کشور صنعتی جهان است. مطلب خیلی مهمی از آن است که بتواند در یک مقاله به آن سرو صورتی داد. مطلب بسر سر آنست که باید از وابستگی برید بسایید استعدادهای و خلاقیتها را جان بخشید و باید به مهارت ارزش بس والا داد ارزشی که تا به امروز درخورد آن نبود و باید قبول کرد که جامعه در صورتی میتواند از وابستگی جدا شود که خودش صاحب‌فکر باشد و خودش بتواند از موجودیاتی که طبیعت در اختیارش گذارده بشاید که درخور این موهبت خدادادی است استفاده کند. باید بمرکز آموزش حرفه‌ای مطابق

با زمان انقلاب جان بخشید و پیش باین مهم و تشویق و ترغیب جوانان برای کسب مهارت در رده‌های مختلف همت گماشت. باید به آموزشهای حرفه‌ای نه آنچنانکه در گذشته متداول بودنگریست. این سازمانها تاوانستند پول بیت‌المال را بیاد دادند و قبلیات راه انداختند. قراردادهای کلان بستند ماشین‌آلات خریدند، کارشناس آوردند و بردند و حقوق‌های سر-سام‌آور دادند و بجای آنکه به نیروی انسانی مهارت بخشند با آن بمسازند برخاستند. و هنوز هم که هنوز است تغییر در روش خود ندادند و بنازهم سعی در آن دارند که بفروش تبلیغ و گزارش دل خود و ملت راگرم کنند. بنظر میرسد که دولت انقلابی که تا امروزه حرکاتی مثبت چون ملی کردن بانکها، بیمه، صنایع بزرگ انجام داده است و توجه بصنایع بومی و کشاورزی ورهائی از وابستگی را در قانون اساسی بعنوان یک اصل در نظر گرفته بجا است که رسیدگی باین مهم را در الویت‌های کار خویش قرار دهد. یک بررسی کوتاه در کارنامه این قبیل موسسات که تعدادشان نیز خوشبختانه در سراسر ایران کم نیست گویای آنست که اینان در انجام رسالتی که بعهده داشتند چه کرده‌اند و امروز چه

میکند همچنانکه در آن روزگار وقت رابه پست بازی و کارشکنی میکشیدند هنوز هم در این راه اباپی ندارند و اگر فرصتی بدست آید دلیلی پایتکه به راه خود ادامه دهند نمی‌بینند چرا که آموزشهای حرفه‌ای از نظر دولت انقلابی بعنوان اصلی مهم عنوان نشده و پی‌گیری نمیکردند. اکنون که فصل تابستان و فراغت دانش‌آموزان از تحصیل فرا رسیده با توجه به اینکه دوره‌های راهنمایی از نظر آزمایشگاه و کارگاهها و گاه معلم‌های حرفه‌ای ید مضیفه هستند بسیار خوب است که از این وقت‌مرده آنان استفاده شده و این آقایان کارشناس و مربی را که عمری در مراکز حرفه‌آموزی بخوابهای خرگوشی مشغول بودند بیدان کار دعوت کرد و یا بایستج کردن این نیروهای وامانده به کارخانجات کار جهاد حرفه‌آموزی را شروع کرد و عدم توجه باین مهم در چند ماه آینده که به کل محیط از کارشناسان خارجی بساک میشود و جرخ صنعت می‌رود که بطور کامل بحرکت درآید چنان نمودار میشود که خود میتواند گرفتاری بزرگ‌کرد بازایستادن آن ایجاد نماید. باید توجه داشت بخش عظیمی از کشور ما استعداد کشاورزی دارد و توجه وسیعی در احیای کشاورزی است به دنبال خود ایجاد و احیای صنایع

مرتبط را چون نساجی و صنایع فرآورده‌های دامی (کنسروسازی- لبنیات- چسب سازی و غیره) مطرح میسازد و آنوقت است که موضوع مهارت و نیروی انسانی ماهر مانند اصلی غیر قابل گریز جلوه‌گر میشود. سالیان ددازی‌ست که نفت ایران صادر میشود و در قبال آن قراردادهای قلابی زیادی بسته شده که کارشناسان خارجی به ایران می‌آیند و ضمن عملیات حفاری و استخراج آموزشهای لازم را به ایرانیان میدهند اما هنوز نفت می‌رود و فرآورده‌های نفتی بسکشور وارد میشود. پس‌مانده‌های نفت بصورت پارچه‌های گران قیمت به بازارهای ایران سرازیر میشود و برای ما هنوز نشیند اینک مگر ممکن است از پس‌مانده نفت پارچه تهیه کرد غیر قابل تصور است چرا که آنجناب کارشناس با قراردادهای مبارزه با فکر ایرانی در اینجا کار میکنند نه آموزش ولی حالا جا دارد که هرچه زودتر باین نقص عظیم توجه شود و شاید به اصل بالا بردن مهارت‌های فنی خصوصاً در صنایعی که ایران ماده خام آنرا بیزران زیادادا میباشد. وایامکان تولید آنرا دارد مانند صنایع نساجی‌نفت و فرآورده‌های نفتی- کشاورزی- دامداری- فلزکاری- بعنوان یکی از مفاد قسانون اساسی که در حال بحث و تبادل‌نظر است نگریسته شود.

## برگزیده مطبوعات

بقیه از صفحه ۴  
زمانی که در دشت سرد و یغزدهی «چالدران» آماج تیر آتشین دشمن می‌شدم همه نیروهایم رادر گلوگرد می‌آوردم و با فریاد زنده بمان ای ایران، به جاودانگی می‌پیوستم ایمان داشتم که... تو نخواهی مسرد. زیرا گمان می‌کنم که از فردا در گام‌های استوار سربازان هم‌پیم که ستیغ کوسه‌های آردات را درمی‌نوردند، زندگی نوی می‌آغازم.

سرمین‌های دیگر را نیز در برابر چالگران شورانید.  
... و سرانجام زمانی که به‌راه دیگر جان‌باختگان راه‌آزادی در روزهای سیاه هفدهم شهریور و هشتم و نهم و بیست و یکم و بیست و دوم بهمن ۵۷ دست در دست یکدیگر با مژغهای ترکیده از گلوله و سینه‌های دریده از سر نیزه، روی در برده‌ی خاک می‌پوشانیم بازم این امید در دودن من می‌جوشید که تو... زنده خواهی بود.

انقلاب اسلامی و ضد انقلاب  
و اما اینکه آیا انقلاب اسلامی ادامه داد، مراحل بعدی پس از سقوط رژیم چیست و ضدانقلاب چه معنائی دارد و چه کسی را میتوان ضد انقلاب دانست. در تعریف انقلاب اشاره شد به این که انقلاب حرکتی است عمومی برخاسته از بطن جامعه بر علیه تمامی آثار و نشانه‌های نظام مسلط موجود بمنظور ایجاد نظامی تازه و تأسیس یک رسته نهادی جدید و موافق با طبیعت جامعه و انقلاب. حال ببینیم که با این تعریف چه مرحله‌ای از انقلاب اسلامی ایران طی شده و چه مرحله‌ای هنوز باقی است که باید طی شود. می‌دانیم که رژیم گذشته که در داس آن شاه قرار داشت دارای ارکان و اهرم‌های قدرت مختلفی بود که با اتکاء به آنها میتوانست به حیات خود ادامه دهد و این تشبه نیروی شخصی او نبود که میتوانست برجامعه حکومت راند. ارکان قدرت رژیم را میتوان در قدرت نظامی، اقتصادی، سیاسی، اداری، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و تبلیغاتی خلاصه کرد. با این قدرت‌ها بود

که گذشته از حاکمیت پرکشور، این امکان را برای رژیم فراهم می‌ساخت که درصحنه بین‌المللی حضور خود را تثبیت کند و از حمایت نظام‌های حکومتی امپریالیستی و سرمایه‌داری منتقد و نیز حکومت‌های هم‌گن در سطح جهانی برخوردار گردد. هر یک از این ارکان قدرت دارای شاخه قدرت‌های دیگری نیز در جامعه هست که قدرت حاکم رژیم را تا اعماق جامعه و جوامع بین‌المللی بسط می‌داد. بدیهی است که شاخه‌ها و ارکان این قدرت نه بنباه حفظ مصالح ملت ایران بلکه بنباه حفظ مصالح شخصی رژیم شکل گرفته بود. از این رو است که انقلاب ملت ایران در مقابله و سکوپی رژیم سرنگون شده‌یاید متوجه تمامی ارکان و اهرم‌های قدرت و شاخه‌های وابسته به آن در سطح جامعه و جوامع بین‌المللی باشد.

جنگهای نامنظم  
بقیه از صفحه ۳  
میگهای روسی و سربازان گویاتی شکست خوردیم.  
کشورهای غربی به ما یاری ندادند. آیا آنها نمی‌دانند که روسها قدم‌به‌قدم دارند تکه‌هایی از افریقا را می‌بلعند و منابع نفتی خلیج فارس را محاصره می‌کنند و یا در پی کنترل راه‌های دریائی شاخ افریقا می‌باشند؟  
روسها جهانخواهی را بدون جنگ می‌خواهند.  
افریقای جنوبی  
سفیدهای افریقای جنوبی نیز افریقای هستند. اگر جنبش «یونیتا» در سال ۱۹۷۵ به قدرت رسیده بود، من مطمئنم که مشکلات «وودزیا» و «نامیبیا» به صورت صلح‌جویانه‌ای حل می‌شد. وقتی که ما به قدرت رسیدیم با افریقای جنوبی جنگ نخواهیم داشت بلکه مذکرات دوستانه می‌تواند در اخلاقات سیاسی بیشتر نافع باشد.  
این حقیقت ندارد که بگویم که قسمت اعظم پشتیبانی از ناحیه افریقای جنوبی است. از زمانی که ایالت «شابه» در زئیر توسط نیروهای «کاتانگا» مورد حمله قرار گرفت کشورهای مستقل افریقای به این نتیجه رسیدند که شوروی به آنگولا راضی نخواهد شد و در آن زمان تاکنون مسا شروع به دریافت کمکهای بسیاری از سایر کشورهای افریقای و برخی از کشورهای غربی کردیم.  
«یونیتا» هدفی بخواهد رسید که روسها

و گویاتی‌ها در خواهند یافت که بسیاری ماندن و توانائی مقاومت در مقابل جنبشهای ملی را نخواهند داشت و جنبش «تو» هم که زیر پرچم خارجیان مهاجم سینه می‌زند درخواهد یافت که ما درست می‌گوئیم. تلاش ما پایان نخواهد یافت اگر چه سالها جنگ و ستیز ادامه پیدا کند. ماخواهان انتخابات آزاد و تشکیل یک حکومت ملی مشکل از تمام احزاب سیاسی هستیم. ما گویاتی‌های مشتاق تسلط را در تابوت به وطنشان باز خواهیم گرداند.



عده‌ای از چریکهای یونیتا که مجهز به سلاحهای پیشرفته هستند

در آن دوران که سیاهان روس و انگلیس و امریکا از جنسوس، پای‌از مرزهای و دجاوانت بدون نهادند و تیرهای جان‌شکارشان سیاهرا می‌کشالت و چهره برخاک پاک تو می‌سایند و لبهای خشک و ترک خوردده سبک و شن نقرده خوزستان را می‌پوسید و یا در کرانه‌های سر سبزارس جان می‌سپردم. به نیکی می‌دانستم که تو... هرگز نخواهی مرد.

امروز که دندان‌تپایی برای دریدن و باره کردن تسوئیز شده است، و در پشت پردی نامهای فریبنده، در اندیشه کندن ریشه فرهنگ بارودت‌مستند بازم می‌گویم که تو زنده خواهی بود. زیرا اگر من همین امروز بعیرم. بازم فردا فردایی بسیار نزدیک در پیکر یک ایرانی زاده و زنده دیگر زنده خواهی شد تا سند جاودانگی تو را دستینه نهم.  
جهانخواوران و جهانگستران و کودلان و بداندیشان بدانند که تانچه‌های درینچه‌های نیرومند آن بلوچ آزاده، آن سیستانی زنده، آن گرمائی گوشنده، آن خراسانی اندیشه‌مند، آن گیلانی و مازندرانی نستوه، آن آذربادگانی دلیر، آن کرد بی‌پاک، آن خوزستانی پرکار، آن سپاهانی برتوان، آن فارس خوش‌سخن و آن تهرانی پرامید (که همه آنان تنها و تنها تیرم‌های بساک ایرانی‌اند، نه چیزی دیگر، و هیچ ملیتی جز ایرانی ندارند)، گره خورده است! تو زنده خواهی بود.  
تایشت‌انها، سنگر من و تا سینه‌ی

مقاصد جبهه به آنان کمک کنند. و این کار وقتی صورت خواهد گرفت که هر فردی در حزب خود از طریق مبارزه شخصیتی پیدا کند و معتقدانی بدست آورد تا بتواند در شورای جبهه ملی در نفع‌وطن خود استفاده نماید. اشخاص بی‌موکلی را که گنگره‌یای شوروی انتخاب کنند آلت دست‌اشخاص می‌شوند که آنها را توصیه میکنند و بدین طریق ایران همیشه فاقد رجال خواهد بود و به همین جهت در عرض این چند سال جبهه ملی توانست کوچکترین قسمی در راه آزادی و استقلال ایران بردارد. و بهترین مثال وجوهی است که همسوظان عزیز برای ساختمانهای در محل زلزله به جبهه ملی دادند ولی جبهه باین عنوان که بعضی از ماورین دولت مانع ساختمان میشوند دم نزد و تقاضای نمی‌کرد، وجوه رادر یکی از بانکها و دویعه گذاشت. آیا بپتی نبود که مظلومیت خود را به دنیا ثابت کند و بعد جلسهای از صاحبان وجوه تشکیل دهند آن را است. بدینشان وجوه بپردازد؟ آیا میشود تصور کرد که نمایندگان وطن‌پرست دارد که به نمایندگی از

مجلسین خود را مسئول دولت می‌دانند و آن را اصطلاحاً مشروطه معکوس می‌گویند ولی اعضای شوروی که بدست‌کنگره انتخاب میشوند نه در مقابل کنگره مسئولند و نه در مقابل حزبی که بنام آن واردکنگره شده‌اند و روح حزب از انتخاب آنان بی‌خبر است و مسئولیتشان فقط در مقابل یک عده اعضای منفرد و بی‌پشت و بنه است که قادر نیستند در پیشرفت جبهه ملی اقدامات مؤثری بکنند. شورای مرکزی جبهه باید از تمام احزاب و دستجات و سازمان‌های صنفی و محلی تشکیل شود تا جبهه تقویت گردد و مورد احترام ملت باشد. نظر اینجانب به حزب توده نیست که آنرا مخالفین آزادی و استقلال مملکت بهانه قرار دهند و نگذارند جبهه ملی به آمال و آرزوی خود برسد بلکه مربوط به احزابی است که مستقلند و می‌توانند حافظ منافع جامعه باشند. این جانب با این قسمت از فصل ۳۹ اساسنامه که میگوید: «مدارک مربوط به احزاب در دبیرخانه‌جبهه

مجلسین خود را مسئول دولت می‌دانند و آن را اصطلاحاً مشروطه معکوس می‌گویند ولی اعضای شوروی که بدست‌کنگره انتخاب میشوند نه در مقابل کنگره مسئولند و نه در مقابل حزبی که بنام آن واردکنگره شده‌اند و روح حزب از انتخاب آنان بی‌خبر است و مسئولیتشان فقط در مقابل یک عده اعضای منفرد و بی‌پشت و بنه است که قادر نیستند در پیشرفت جبهه ملی اقدامات مؤثری بکنند. شورای مرکزی جبهه باید از تمام احزاب و دستجات و سازمان‌های صنفی و محلی تشکیل شود تا جبهه تقویت گردد و مورد احترام ملت باشد. نظر اینجانب به حزب توده نیست که آنرا مخالفین آزادی و استقلال مملکت بهانه قرار دهند و نگذارند جبهه ملی به آمال و آرزوی خود برسد بلکه مربوط به احزابی است که مستقلند و می‌توانند حافظ منافع جامعه باشند. این جانب با این قسمت از فصل ۳۹ اساسنامه که میگوید: «مدارک مربوط به احزاب در دبیرخانه‌جبهه

مجلسین خود را مسئول دولت می‌دانند و آن را اصطلاحاً مشروطه معکوس می‌گویند ولی اعضای شوروی که بدست‌کنگره انتخاب میشوند نه در مقابل کنگره مسئولند و نه در مقابل حزبی که بنام آن واردکنگره شده‌اند و روح حزب از انتخاب آنان بی‌خبر است و مسئولیتشان فقط در مقابل یک عده اعضای منفرد و بی‌پشت و بنه است که قادر نیستند در پیشرفت جبهه ملی اقدامات مؤثری بکنند. شورای مرکزی جبهه باید از تمام احزاب و دستجات و سازمان‌های صنفی و محلی تشکیل شود تا جبهه تقویت گردد و مورد احترام ملت باشد. نظر اینجانب به حزب توده نیست که آنرا مخالفین آزادی و استقلال مملکت بهانه قرار دهند و نگذارند جبهه ملی به آمال و آرزوی خود برسد بلکه مربوط به احزابی است که مستقلند و می‌توانند حافظ منافع جامعه باشند. این جانب با این قسمت از فصل ۳۹ اساسنامه که میگوید: «مدارک مربوط به احزاب در دبیرخانه‌جبهه

## رهنمودهای مصداق برای تشکیل جبهه ملی

بقیه از صفحه اول  
یکبار تشکیل میشود و قادر نیست بکار شوری نظارت کند کاریست بیسوده چه هر هیاتی را که افرادی انتخاب کنند باید در کار آن هیات نظارت داشته باشند تا هر چه می‌شود در نفع جامعه تمام شود. اینجانب با تشکیل کنگره که هر دو سال یکبار در طهران تشکیل شود و احتیاجات محلی خود را اظهار کند و هر تصمیمی که اتخاذ میشود از روی کمال بصیرت باشد و ببرد مردم خارج از مرکز بخورد کاملاً موافق ولی موافق نیست اگر حزبی تشکیل شد و خواست وارد جبهه ملی بشود مدت دوسال صبر کند تا کنگره تشکیل بشود یا نشود. آیا تصور نمی‌فرمائید که این نظریه برخلاف مصلحت مملکت است چون که هر قدر جمعیت جبهه کم باشد به ضرر مملکت است؟  
انتخابات اعضای شورای جبهه ملی به دست کنگره همان طریق انتخاباتی است که دولت‌از طرف مردم میکند با این فرق که وکلای

مجلسین خود را مسئول دولت می‌دانند و آن را اصطلاحاً مشروطه معکوس می‌گویند ولی اعضای شوروی که بدست‌کنگره انتخاب میشوند نه در مقابل کنگره مسئولند و نه در مقابل حزبی که بنام آن واردکنگره شده‌اند و روح حزب از انتخاب آنان بی‌خبر است و مسئولیتشان فقط در مقابل یک عده اعضای منفرد و بی‌پشت و بنه است که قادر نیستند در پیشرفت جبهه ملی اقدامات مؤثری بکنند. شورای مرکزی جبهه باید از تمام احزاب و دستجات و سازمان‌های صنفی و محلی تشکیل شود تا جبهه تقویت گردد و مورد احترام ملت باشد. نظر اینجانب به حزب توده نیست که آنرا مخالفین آزادی و استقلال مملکت بهانه قرار دهند و نگذارند جبهه ملی به آمال و آرزوی خود برسد بلکه مربوط به احزابی است که مستقلند و می‌توانند حافظ منافع جامعه باشند. این جانب با این قسمت از فصل ۳۹ اساسنامه که میگوید: «مدارک مربوط به احزاب در دبیرخانه‌جبهه

مجلسین خود را مسئول دولت می‌دانند و آن را اصطلاحاً مشروطه معکوس می‌گویند ولی اعضای شوروی که بدست‌کنگره انتخاب میشوند نه در مقابل کنگره مسئولند و نه در مقابل حزبی که بنام آن واردکنگره شده‌اند و روح حزب از انتخاب آنان بی‌خبر است و مسئولیتشان فقط در مقابل یک عده اعضای منفرد و بی‌پشت و بنه است که قادر نیستند در پیشرفت جبهه ملی اقدامات مؤثری بکنند. شورای مرکزی جبهه باید از تمام احزاب و دستجات و سازمان‌های صنفی و محلی تشکیل شود تا جبهه تقویت گردد و مورد احترام ملت باشد. نظر اینجانب به حزب توده نیست که آنرا مخالفین آزادی و استقلال مملکت بهانه قرار دهند و نگذارند جبهه ملی به آمال و آرزوی خود برسد بلکه مربوط به احزابی است که مستقلند و می‌توانند حافظ منافع جامعه باشند. این جانب با این قسمت از فصل ۳۹ اساسنامه که میگوید: «مدارک مربوط به احزاب در دبیرخانه‌جبهه

مجلسین خود را مسئول دولت می‌دانند و آن را اصطلاحاً مشروطه معکوس می‌گویند ولی اعضای شوروی که بدست‌کنگره انتخاب میشوند نه در مقابل کنگره مسئولند و نه در مقابل حزبی که بنام آن واردکنگره شده‌اند و روح حزب از انتخاب آنان بی‌خبر است و مسئولیتشان فقط در مقابل یک عده اعضای منفرد و بی‌پشت و بنه است که قادر نیستند در پیشرفت جبهه ملی اقدامات مؤثری بکنند. شورای مرکزی جبهه باید از تمام احزاب و دستجات و سازمان‌های صنفی و محلی تشکیل شود تا جبهه تقویت گردد و مورد احترام ملت باشد. نظر اینجانب به حزب توده نیست که آنرا مخالفین آزادی و استقلال مملکت بهانه قرار دهند و نگذارند جبهه ملی به آمال و آرزوی خود برسد بلکه مربوط به احزابی است که مستقلند و می‌توانند حافظ منافع جامعه باشند. این جانب با این قسمت از فصل ۳۹ اساسنامه که میگوید: «مدارک مربوط به احزاب در دبیرخانه‌جبهه

مجلسین خود را مسئول دولت می‌دانند و آن را اصطلاحاً مشروطه معکوس می‌گویند ولی اعضای شوروی که بدست‌کنگره انتخاب میشوند نه در مقابل کنگره مسئولند و نه در مقابل حزبی که بنام آن واردکنگره شده‌اند و روح حزب از انتخاب آنان بی‌خبر است و مسئولیتشان فقط در مقابل یک عده اعضای منفرد و بی‌پشت و بنه است که قادر نیستند در پیشرفت جبهه ملی اقدامات مؤثری بکنند. شورای مرکزی جبهه باید از تمام احزاب و دستجات و سازمان‌های صنفی و محلی تشکیل شود تا جبهه تقویت گردد و مورد احترام ملت باشد. نظر اینجانب به حزب توده نیست که آنرا مخالفین آزادی و استقلال مملکت بهانه قرار دهند و نگذارند جبهه ملی به آمال و آرزوی خود برسد بلکه مربوط به احزابی است که مستقلند و می‌توانند حافظ منافع جامعه باشند. این جانب با این قسمت از فصل ۳۹ اساسنامه که میگوید: «مدارک مربوط به احزاب در دبیرخانه‌جبهه

مجلسین خود را مسئول دولت می‌دانند و آن را اصطلاحاً مشروطه معکوس می‌گویند ولی اعضای شوروی که بدست‌کنگره انتخاب میشوند نه در مقابل کنگره مسئولند و نه در مقابل حزبی که بنام آن واردکنگره شده‌اند و روح حزب از انتخاب آنان بی‌خبر است و مسئولیتشان فقط در مقابل یک عده اعضای منفرد و بی‌پشت و بنه است که قادر نیستند در پیشرفت جبهه ملی اقدامات مؤثری بکنند. شورای مرکزی جبهه باید از تمام احزاب و دستجات و سازمان‌های صنفی و محلی تشکیل شود تا جبهه تقویت گردد و مورد احترام ملت باشد. نظر اینجانب به حزب توده نیست که آنرا مخالفین آزادی و استقلال مملکت بهانه قرار دهند و نگذارند جبهه ملی به آمال و آرزوی خود برسد بلکه مربوط به احزابی است که مستقلند و می‌توانند حافظ منافع جامعه باشند. این جانب با این قسمت از فصل ۳۹ اساسنامه که میگوید: «مدارک مربوط به احزاب در دبیرخانه‌جبهه

**مژده به دارندگان اتومبیل‌های سواری**

از اول تیرماه ۵۸ تعمیرگاه و فروشگاه لوازم یدکی مجهز به‌امو با مدیریت کاظم شهبندی و کادر مجرب آماده خدمت به مراجعه‌کنندگان محترم میباشد.

آدرس - تهران نو - ایستگاه پل مقابل درمانگاه بهفر تعمیرگاه پارس تلفن ۷۴۷۷۳۰

### کارمندان اتاق بازرگانی

## نگران آینده این واحد هستند

یکی از اعضای کمیته پسا اینست دو دستگی در اتاق ایران به نفع سود تبلیغ می رسد - نارمند

چند تن از کارکنان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران در تماسی تلفنی یا روزنامه چپه ملی ایران اعلام کردند تکلیف کارکنان این واحد روشن نیست و در این ماه چند تن از کارکنان اتاق از سوی کمیته مستقر در اتاق بازرگانی اخراج شده اند. آنها همچنین گفتند نحوه برخورد یکی از اعضای کمیته با کارمندان ناخنجار است.

یکی از کارکنان اتاق بازرگانی می گفت تصور ما بر این بود که پس از انقلاب می توانیم خدمت بیشتری انجام دهیم و نظرات ما مورد استفاده قرار گیرد و در عین حال از لحاظ رفاهی وضع بهتری پیدا می کنیم لیکن درست عکس قضیه پیش آمد. او می گفت در حال حاضر یکی از اعضای کمیته مستقر در اتاق بازرگانی نه تنها به فکر تهیه طومار به نفع خود و الصاق آن به در و دیوار اتاق بازرگانی است که چند تن آنرا امضاء کرده اند بلکه با ایجاد دو دستگی و نفاق روابط صمیمی کارمندان را تیره کرده است.

همین کارمند مدعی بود که تاکنون به عنوان کمی به خانواده اش از مزایای خواریار برای خود، زن و دو فرزندش استفاده می کرده است که کمیته تصمیم به قطع این کمک به خانواده او گرفته است.

یکی دیگر از کارمندان می گفت در گذشته یک نفر که به عنوان مدیر در سازمانی قرار می گرفت بقیه افراد فامیل خود را به آن واحد می آورد و

شغلی برای آنها در نظر می گرفت و آن که انقلاب علیه روس و سیستم قبلی شده است باز هم همان شیوه اعمال می شود.

کارمند دیگری از اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران می گفت تکلیف کارمندان اتاق روشن نیست و تاکنون ۷ تن از کارکنان قراردادی این اتاق اخراج شده اند و تعدادی دیگر هم بتدریج اخراج می شوند و پرداخت وام مسکن که عهده مراحل خود را گذرانده بود با دستورعوض کمیته مستقر در اتاق متوقف شد.

این کارمند می گفت یکی از اعضای کمیته تمام فعالیت خود را برای ایجاد دو دستگی و نفاق میان کارمندان صرف می کند و به بهانه همکاری با رژیم گذشته کارمندان را مورد توهین قرار می دهد در صورتی که این شخص در مراسم جشنهای شاهنشاهی شرکت کرده و عکس او در پوشتن اتاق بازرگانی چاپ شده است. کارمندان اتاق بازرگانی اعلام کردند که صبر انقلابی آنها باعث شده تا این افراد به رفتارهای رژیم سابق ادامه دهند و به همین لحاظ از هفته آینده اقدامهای خود را برای اعتراض به نحوه مدیریت اتاق بازرگانی شروع خواهند کرد.

در تماس روزنامه چپه ملی ایران با «خاموشی» عضو کمیته مستقر در اتاق بازرگانی که بیشتر مطالب کارمندان مربوط به او می شد خاموشی گفت اوضاع از هرجهت در اتاق بازرگانی آرام است و کارمندان هیچگونه اعتراضی ندارند. وی اضافه کرد اعتراض و ناراحتی کارمندان شایعه ای بیش نیست و همه کارمندان از وضع خود راضی هستند.

دکتر یزدی وزیر خارجه:

### سیاست دولت ترورشاه نیست

سیاست دولت ایران این نیست که شاه مخلوع را ترود کند یا ماموران ایرانی را برای دستگیری او گسیل دارد. اما دولت ایران از طریق قوانین و مقررات بین المللی برای بازگرداندن شاه و محاکمه وی اقدام خواهد کرد.

دکتر یزدی وزیر امور خارجه که با آسوشیتدپرس سخن می گفت با اعلام این مطلب یادآور شد اکثرین زمینه را برای تسلیم یک تقاضای رسمی فوق العاده به دولت مکزیک تدارک می بینیم - وزیر امور خارجه افزود: بهبود روابط ایران با امریکا بستگی به واکنش مقامات امریکائی دارد و بویژه اقدام بعدی امریکا در مورد تعیین سفیر جدید بقیه در صفحه ۲

### جامعه بازاریان تهران وابستگی به جبهه ملی را تکذیب کردند

بسمه تعالی

در ساعت ۶ بعد از ظهر روز ۱۲ تیرماه یک مصاحبه مطبوعاتی در محل کمیته صنفی امام با حضور نمایندگان اصناف - پیشهوران - بازرگانان تشکیل شد. نمایندگان اصناف ضمن ارائه طومارهایی که به امضاء تعداد زیادی از اصناف و بازاریان رسیده بود نسبت به خبر روزنامه های کیهان و اطلاعات مورخ ۱۱ تیرماه در ارتباط با اعلام همبستگی اصناف و پیشهوران بازار به جبهه ملی اعتراض و یادآور شدند افرادی که اعلام وابستگی به جبهه ملی ندارند و افراد ناشناخته ای هستند که از نظر جامعه اصناف و پیشهوران و بازرگانان هیچگونه سمت صنفی یا سابقه شخصی سیاسی ندارند. نمایندگان اصناف و پیشهوران همچنین نصب پلاکاردی بنام جامعه اصناف و پیشهوران و بازرگانان تهران در مقابل کاخ دادگستری را که به پشتیبانی از محمد رضا سعادت انجام شده بود مورد اعتراض قرار داده و این عمل را از سوی افرادی ناشناخته و غیرمسئول که هیچگونه ارتباطی با جامعه اصناف و پیشهوران و بازرگانان بازار تهران ندارند دانستند و یادآور شدند چنانچه کسانی از اصناف و پیشهوران مایل هستند فعالیت های سیاسی داشته باشند باید از سوی خود و بنام خود مطالب را ارائه و امضاء کنند. بدیهیست در صورتیکه جامعه اصناف و پیشهوران و بازاریان و بازرگانان لازم دید در فعالیتهای سیاسی که بموقع خود پیش خواهد آمد شرکت کنند خود راسا بنام جامعه مذکور و با امضاء مشخص شرکت خواهد کرد.

در گزارش قضات به حضور امام گفته شده:

### مهره های اصلی رژیم شاه بدون محاکمه آزادی می شوند

ضد انقلاب هنوز زنده است. جلوی عمل صحیح تنها ارکان انقلابی انقلاب را گرفتند. قضات تحقیق و بازرسان سابق دادسرای انقلاب اسلامی تهران به حضور امام خمینی در قم رسیدند و گزارش کار چهار ماه گذشته خود را به حضور ایشان تقدیم داشتند و نکات مهمی را آشکار ساختند. این گروه رئیس گزارشی را که تسلیم امام کرده بود در اختیار خ.رگزاری پارس گذاشت. این گروه خاطر نشان ساختند تا حدود یکماه قبل ما کادر قضایی دادسرای انقلاب اسلامی تهران را تشکیل میدادیم در این مدت سعی میشد دادگاهها با شیوه انقلابی و آنچنانکه شایسته یک دادگاه انقلابی اسلامی است عمل کنند با توجه به اینکه ما حقوقدان بودیم به دلایل مهم دادسرای انقلاب را تصفیه کردند نحوه عمل دادگاههای قبل و بعد از تصفیه نشان دهنده شکل کار ما و نمودار عمل جانشینان ما است که از بازرسان و قضات و تحقیق دادگستری استفاده شده است.

ما آمده ایم بگوئیم که هنوز ضد انقلاب زنده است و فعالانه کار میکند و عناصر اصلی رژیم گذشته در زندان های انقلاب نگهداری میشوند. ما آمده ایم بگوئیم ارکان های ساواک بر علیه انقلاب مخفیانه عمل میکنند و هم اکنون منابع ساواک به کارش ادامه میدهد. ما آمده ایم بگوئیم عناصر فعال و مبره های اصلی رژیم شاه را بدون محاکمه آزاد می کنند. افرادی مانند جهانشاه صالح پسرشک مخصوصی دربار - حسین نجفی وزیر دادگستری کابینه از هاری و شریف امامی - منصور یاسینی نماینده مجلس رستاخیزی و یکی از مختلسین معروف کشور و از این قبیل...

ما آمده ایم اعلام کنیم جلوی عمل صحیح تنها ارکان انقلابی انقلاب را گرفتند و دلیل بر انقلابی بودن و اسلامی بودنش تأیید سراسری ملت ایران بود بعد از تصفیه دادگاه حسین مومن رئیس تیم تعقیب و مراثبت ساواک منحل که مستقیم و غیر مستقیم باعث قتل بیش از سی هزار نفر انقلابیون بوده است و پرونده این شخص را به حضورتان آوردیم و در حضور قاضی شرع و بازرسان و قضات تحقیق فرمودیم: مفسد فی الارض است اما حال این شخص به چهار سال زندان محکوم شده است.



### بگذار تا بگیریم....

دریغ از خزانگی که دیگر درمیان مردم جنوب دوستان و یاران بسیار ما نیست.

دریغ از آن دریای پرخروش که ایشسان تلخ و دردناک به خاموشی نشست.

خزانگی، دلاور مهربانی که در تلاشهای زندگی ساز ما، کنارمان صمیمانه پای کوبید، نه هراس از مرگ داشت و نه در سیاه ترسین روزهای ستم، امید به فردای بهتر را از کف می داد. دیگر امروز در میان ما نیست.

سرباز پرشور «نهضت ایمان» در یک حادثه ای رانندگی جان به جان آفرین سپرد و بدینسان حزب ملت ایران، یکی از بهترین رزمندگان خود را از دست داد.

خزانگی مسئول حزب ملت ایران در خوزستان بود و به دلیل نام نیک و آوازی شپریت، در میسان و افزون سازد.

در آن روزهای پسر دمیسه ای خرمشهر، که دشمن از هرفرصتی برای آشوب و بلوا بهره می جست، قدمهای همیشه در راه او با چهره مصمم و مهربانش بپرگجا می رسید نویده نظم و آرامش بود. دشمن که او را آتسان تا زنده و شکست ناپذیر دید، دوبار به جانش سوء قصد کرد و او از هر دو جان سالم بدر برد و با ایمانی محکمتر به ادامه مبارزه علیه ضد انقلاب پرداخت.

نام احمد خزانگی بر لوح خاطریک یک یاران رزمنده اش تا ابد رقم خورده و انبوه مرگ جانگدازش ارزانی همه آنهاست، باشد که این عهدی ازمم بیگران هم رزم ارجمندان غلامرضا کریمخانی بگاهدو شکیبانش را افزون سازد.

#### بازگشت همه بسوی اوست

درگذشت نابینام شادروان احمد خزانگی نماینده ایسن دبیرخانه را در شهرستان خرمشهر به گامی همگان میرساند. یاران آن رزمنده دلیر روز شنبه ۱۶ تیرماه ۱۳۵۸ ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر در مسجد فخرالدوله به سوگ می نشینند.

#### دبیرخانه حزب ملت ایران

#### مجلس ترحیم

با نهایت تأسف درگذشت جانگزار شادروان احمد خزانگی را به اطلاع بستگان و دوستان میرساند. مجلس ترحیم زنانه و مردانه آن مرحوم روز شنبه شانزدهم تیرماه ۱۳۵۸ از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر در مسجد فخرالدوله برگزار میگردد.

خانواده های: خزانگی - کریمخانی - رضا زاده - ذوالریاستین تاجبخش - پورعلی - جوهری - نعمتی - حبیب آگهی - بیخش - مرشد - نوذری - رشیدی - دریانوش - توحیدی - پدرهاشمی.

### فرمان عفو نظامیان

بقیه از صفحه اول

ارتش - رئیس کل شهربانی و فرمانده کل زاندامری جمهوری اسلامی ایران اقدام نماید. دادسراها و دادگاههای جمهوری اسلامی ایران باید حداکثر تا سوم مرداد ماه ۱۳۵۸، پایان ماه شعبان سال جاری اسامی کلیه افرادی که علیه آنان اعلام شکایت شده است حسب مورد بواحدهای مربوط ارتش شهربانی یا زاندامری جمهوری اسلامی ایران اعلام نمایند. و از تاریخ تصویب این لایحه قانونی کلیه مقررات قانون و آیین نامه های دادسراها و دادگاههای انقلاب جمهوری اسلامی ایران که مغایر با این لایحه قانونی باشد لغو میگردد.

### هشدار دادستان کل انقلاب

بقیه از صفحه اول

که در ترکیه میگردد نخواهد بود و گروههایی که باین اعمال دست میزنند در پیشگاه خداوند و ملت ایران مسئول شناخته میشوند اینک چون اعتقاد به اصالت انقلاب مردم و حفظ دستاوردهای آن ایجاد میکند که اینگونه روشها متروک گردد تا راه برای ضد انقلاب و عوامل منفور رژیم گذشته که در کمن جستن فرصتهایی هستند گشوده نشود از تمام برادران و خواهران هومن به انقلاب تقاضا دارم که در این مورد و موارد مشابه با دیدی دور از فرقه گرایی به عواقب اینگونه اعمال بیاندیشند و مسئولیت ایجاد حوادثی را که دشمنان از آن بهره برداری خواهند کرد و بساعت پیشمانی خواهد بود بسه عهده نگیرند.

### نا آرامی در نجف آباد

بقیه از صفحه اول

چهار سال حبس تادیبی محکوم شدند و نجف آباد از جمله نقاطی بود که میزان خسارات و گشتار آن توسط خیرگزاریها به تمام نقاط جهان مخایره شد و یکی از کویاترین سند جنایات رژیم گذشته است.

به دنبال حادثه ربودن بازرسی دادگاه نجف آباد از سوی دادگاه و دادسرای انقلاب اسلامی اصفهان اطلاعاتی خطاب به حرکت های ضد انقلابی و عناصر مشکوک انتشار یافت.

در قسمتی از اطلاعاتی آمده است: همه دادگاههای انقلاب اسلامی بر اساس اراده خداست و به خواست رهبری انقلاب دادگاهها کار خود را در رابطه با بررسی پرونده های عناصر منفور رژیم گذشته قبل از پیروزی به نحو شدید آغاز کرده و بطور موکده دنبال خواهد کرد و در این راه هیچگونه ارباب، تهدید، ربودن و حتی قتل اعضای فعال خود توسط عناصر مشکوک و ضد انقلابی را سه راه خود و مانع فعالیت و اجرای احکام انقلاب اسلام احساس نمی کند.

در قسمتی دیگر از اعلامیه گفته شده: دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان لازم میدانند که به عنوان یک ارکان مسئول موکداً به این عناصر ارتجاعی و ضد مردمی شدیداً اخطار کند که در برابر حرکت های یلید آنها و کسانی که در کار دادگاههای انقلاب از طریق شایعه، تهدید، ارباب و ربودن اعضای آن اخلاص می کنند به شدت مقابله کرده و آنها را پس از دستگیری به اشد مجازات برساند.

سیکوکوارتز

دقتی را ارائه میدهد که فقط از سیکو میتوان انتظار داشت.

SEIKO Quartz

1290 آرتا